

کارگران
و روستاییان
متحد شوید

امکا کا کا کا

گریکایران
و زحمه تکبشان
پدک گون

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

بها ۵۰ ریال

شهریور ۱۳۶۳

دوره جدید سال دوم - شماره ۲۱

پیانیه مشترک

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

حزب دمکرات کردستان ایران

در صفحه ۳

سرمقاله

گسترش آتشی جنبشی
در شرو چیست؟

جنبش انقلابی خلق کرد، امروز مرحله حساس و خطیری را طی کرده است. از یک سوی بعد آموزش های رژیم هر چه گسترده تر شده، منطبق آزاد معدود گذشته است و از سوی دیگر بهمنگران ملخ خلق کرد با آموزش از تجربیات پنج سال گذشته، در ایجاد وسیعی به مقابله گسترده با رژیم در سراسر کردستان پرداخته و شورشها اشکال متفاوتی از جنگ انقلابی را در تمامی عرصه ها به نمایش گذارده اند. بدون تردید راه و مسیر پیروزی چریکین جنگی و با ایجاد گنونی از میان بسیاری تلاش ها و پیشروی های آگاهانه و فاشونمند در صفحه ۲

پنجمین سال جنگ و شعار صلح دمکراتیک

چهار سال از جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق گذشت و این جنگ ویرانگر و اردینعمین سال خود شد. جنگی که در طول چهار سال گذشته بیشترین خسارات مالی و جانی را به زحمتکنان هردو کشور وارد آورده و جنبش عظیمی از نیروی انسانی در صفحه ۶

و تاسیس ۱۷ شهریور ۵۷ و درستی تی

۱۷ شهریور ماه ۵۷ نقطه عطف عظیمی در جنبش توده ای سال های ۵۶-۵۷ بود که در ۲۲ بهمن ۵۷ با قیام عمومی توده ها و حمله به پادگانها و مراکز سرکوب رژیم پهلوی، به سرنگونی سلطنت پهلوی نائل گشت. بدنبال اوچگیری جنبش توده ای در سراسر ایران در هفتم شهریور ماه ۵۷ رژیم در صفحه ۷

طی یک نوطه دردناک

رفیق بیژان شهبانی

بشهادت رسید

در صفحه ۱۶

حقی گره پیروز زانست

* * *

نگاهی

به عملیات یک ماهه بهمن در سراسر

در صفحه ۱۷



سال تحصیلی جدید

و وظائف دانش آموزان انقلابی!

با پایان گرفتن تابستان و آخوین روزهای شهریور ماه و قرار شدن با تیز بازهم سال تحصیلی جدیدی در سراسر ایران شروع میشود تا بایان گرفتن جوانان و نوجوانان سراسر ایران به سوی کلاس های درس روانه میشوند. اما امسال نیز چون چند سال گذشته، دانش آموزان سراسر ایران در شرایطی قرار میگیرند که بسیاری از امکانات آنها در زندانهای رژیم در صفحه ۲

هدیه و دیبله تیک مافی دیاری گردنی چاره نویسی خوی هدیه

گفتار فی‌السنی جنبش

ارسطو

و کاملاً مشخص و منتج از ارزیابی دقیق وضعیت کنونی جنبش و پایش از مولی بدان می‌گذرد و آن چه که امروز از اهمیت اساسی برخوردار است، در حقیقت درک مرحله کنونی مبارزه خلق کرد و هدایت هدفمند آن‌ها است. آن واجتباب از در غلظیدن بسد روندها، بخودی حوادث است. امروز دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند تردیدی در خصلت رشد یا بنده جنبش خلق کرد نداشته و حرکت بالقوه درونی این جنبش را که در تمامی عرصه‌ها خود را نشان داده تمام به ظهور رسانده است نادیده انگارد. جنبش انقلابی خلق کرد گامی بزرگی بسته پیش برداشته است و مفت مشخصه اصلی آن در تمامی طول پنج سال گذشته بدون شک برخوردار از یک پایگاه قدرتمند بوده‌ای از آنکاب توده‌ها و از حمتکشی بوده است که باره‌ای علی‌سازد کنونی را بردوش کشیده و در مقابل تمامی تضعیقات و فشارهای رژیم یک گام عقب‌نشسته‌اند. توده‌های زحمتکش خلق کرد در طول پنج سال گذشته ثابت نموده‌اند که بسا چه ایمان خلل ناپذیری از آرمان‌های حقیقت‌پسندانه و حیاتی خود دفاع می‌کنند و آماده‌اند در راه تحقق بخشیدن به آرمان خود تاچه حد استقامت و پایداری و فدا ناپذیری نشان دهند.

اما آنچه که امروز بیش از همیشه بعنوان یک نقطه ضعف اساسی در این جنبش خود را آشکار می‌سازد بویژه در شرایطی که هدایت آن‌ها نه و هدفمند جنبش در تمامی زمینه‌ها باید بسنگ ضرورت مبرم تبدیل شده است، فقدان سازماندهی هماهنگ بویژه و قبل از همه در سطح جنبش توده‌ای و ایجاد ارگان‌های توده‌ای برای هدایت مبارزه و مقاومت انسان که بطور خودبخودی بلکه در مقیاس وسیع و گسترده علی‌سازد رژیم جمهوری اسلامی است. بدون

تردید هرگونه دستاوردی در این زمینه بی‌انگیز چیزی جز گذار از سر خود بخودی حیانت به یک سازماندهی هدفمند و هماهنگ در میان توده‌ها و بسیج همه جانبه انرژی و پتانسیل آنها نخواهد بود.

این ضعف اساسی جنبش بویژه زمانی خود را آشکار می‌سازد که مسأله هدایت و مقاومت توده‌ای در مقابل مہینی جهت مقابله با ساطیل مشخصی که توده‌های زحمتکش خلق کرد با آن مواجه هستند در مواردی همچون مقابله با سیاست تضحیح اجباری، سرپا زگیری اجباری و اخیراً تخلیه و تخریب روساها و کوچ اجباری ساکنان آنها مطرح میگردد و عدم وجود مادگی برای بسیج سراسری توده‌ها برای مقابله با سیاست‌ها و رژیم در این گونه موارد و سپرده شدن سگان اقدامات ضروری به دست خود توده‌های بدون شکل و سازماندهی مشخص، تخلیات با رزویان مریخ وجود چنین ضعفی بوده‌است. این امر نشان میدهد که جنبش انقلابی خلق کرد علی‌رغم آنکه خود به جنبش توده‌ای، تلاش سازمانگرا نه برای ارتقاء آن ننموده‌است و حداقل تلاش همه جانبه‌ای را برای ایجاد یک قدرت توده‌ای همه‌گیر کرده در شرایط مختلف و به انحسار گوناگون نتواند قدرت بالقوه جنبش توده‌ای را به منصف ظهور رسانده، تا من بقای قدرتمند جنبش نه تنها در مقاطع سیاسی بلکه در چشم اندازهای آتشی آن باشد به پیش نبرده‌است.

عدم توجه به جنبش‌های مرجعیتی در جنبش انقلابی خلق کرد، تاثيرات خود را در بسیاری از زمینه‌ها از جمله در امر هدایت متحرک و هماهنگ جنگ انقلابی نیز بسو جای گذارده‌است. چرا که بدون توجه به اهمیت سازماندهی همه جانبه امکانات بالقوه توده‌ای جنبش کنونی، سازماندهی نظامی همه جانبه آن نیز در هر شکل ممکن امکان پذیر نیست و هرگونه حرکتی در زمینه ایجاد اتحاد عمل‌های پایداری و اتحاد سیاست‌های متحرک در زمینه هدایت مبارزه کنونی، بدون تردید

حقیقت خود را از اشتراک در برخورد به مسائل جنبش توده‌ای واحداث رادیکال و انقلابی آن می‌گیرد. خلاصه این که نقطه ضعف جنبش کنونی، عدم سازماندهی همه جانبه نقطه قوت خویش است. اعتراف به واقعیت وجودی این نقطه ضعف جنبش کنونی ممکن است امروز بسیاری از نیروهای سیاسی دشوار باشد و عرقا بل قبول به

نقرا بدولی واقعیت عملی جنبش کنونی حاکی از درستی آن است. ما منکر حرکت مشخص این یا آن نیرو در محدوده عملی و برنامه خاص خود نیستیم و قبل از پیرامون این مسأله و این که هر کدام از نیروهای موجود با چه نقاط ضعف و قوت معینی در مواجهه با مسائل مختلف و اساسی جنبش کنونی بود در وهستند بحث کرده‌ایم. مسأله اساسی این است که هرگونه سازماندهی مشخص امری با برنامه است، برنامه‌ای (عملی و نه تفضاهائی) که بتواند کلیه نیروهای سیاسی را در اسی‌ترین و جوهرا اهداف جنبش کنونی به هم نزدیک ساخت و از نقاط اشتراک معینی در این زمینه برخوردار نماید بدون مبینه سا را بجا دیگر حرکت هماهنگی در روند آتی این جنبش باشد.

ما عمیقاً اعتقاد داریم هر گونه حرکتی در جهت ایجاد تغییرات کیفی معینی در مبارزه کنونی و سهم ترا همه در زمینه سازماندهی هر چه قدرتمند جنبش توده‌ای الزامی و بدون هیچ قید و شرطی مستلزم برخورد جدی به این ضعف اساسی در شرایط کنونی است.

شاید برای بسیاری این امر مضحک باشد که در شرایطی که حتی بر سربک امر بسیار جزئی که ارتباط کابلاینگ با سافع بلاواسطه توده‌ها دارد، امکان توافق وجود ندارد، چگونه می‌توان در مسائل اساسی مربوط به سازماندهی سراسری و همه جانبه توده‌ها تصدیک برآه مشترک در مبارزه کنونی به وحدت نظر و عمل رسید؟ سیاست هماهنگی را به پیش برد؟

در صفحه

پیش‌بینی تشکییل حزب طبقه کارگر

بیانیه مشترک

۱- روستای دیگر نیز اخطار رسیده است که هر چه زودتر روستاهای خود را تخلیه نمایند. رژیم عین همین کار را در منطقه پیرانشهر نیز مابیه آتش کشیدن روستای دوله‌نی و تخلیه روستاهای زویان و خریاب عملی ساخته است.

ایماندنیات رژیم در تخریب روستاهای ثوق نشان می‌دهد که زندگی بخش وسیعی از روستائیان کردستان در معرض تهدید قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی تصور می‌کند با ویران نمودن این روستاها و آواره کردن اهالی زهمتگش آنها کدبیش از پنج سال است علاوه بر بمباران و کلوله‌بازان در خیمان جمهوری اسلامی با دستگیرین معامره اقتصادی رژیم را نیز تحمل کرده‌اند. می‌تواند آنها را به زانو درآورد.

حزب دمکرات کردستان ایران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بدین وسیله:

۱) از کلیه مردم کردستان می‌خواهند که در مقابل این سیاست ارتجاعی رژیم به مقاومت برخاسته و هرگونه همکاری و همگامی لازم را با کلیه نیروهای انقلابی در جهت مقابله با تلاش‌های جدید رژیم به عمل آورند.

۲) از خلقهای سراسر ایران می‌خواهند بی‌اشتباه مبارزات خود علیه رژیم جمهوری اسلامی با سیاست تخلیه و تخریب روستاها مقابله نموده و از مبارزات برحق و عادلانه ملت در حمایت نمایند.

۳) از کلیه سازمانها و احزاب مترقی و انقلابی سراسر ایران می‌خواهند که به وظایف انقلابی خود در قبال حمایت فعال از مبارزات انقلابی - دمکراتیک خلق کرد، عمل نموده با افشای جنایات متعدد و بی‌شمار رژیم در کردستان، ماهیت ارتجاعی و فداکاری سیاست‌های آن را افشا نمایند و فریاد اعتراضی خلق کرد را به گوش تمامی خلقهای ایران و جهان برسانند.

۴) از کلیه سازمانها و احزاب مترقی و دمکرات سراسر جهان می‌خواهند که با حمایت و پشتیبانی هر چه گسترده‌تر از مبارزات انقلابی مردم کردستان زنده این سیاست ممانعت به عمل آورند و فریاد اعتراض خلق قهرمان کرد را به گوش در صفحه ۱۵

خلق قهرمان کرد
خلقهای سراسر ایران
سازمانها و احزاب مترقی ایران و جهان

رژیم جمهوری اسلامی کدبیش از پنج سال است جنگ خانمانسوزی را بر خلق کرد تحمیل نموده است و از هیچ جنایتی برای رسیدن به اهداف عسکری فروگذار نکرده است. امروز که من بهت شما منی تلاشهای خود را در مقابل اراده غلظ ناپذیر طبیعت کرد منی بررهائی از قید و بند متمدنی و کسب حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعینه مشاهده نموده و هیچ‌گونه چشم‌انداز روشنی برای موفقیت در یک چنین جنگ ضد بشری را بر سر پای خود نمی‌بیند و در هر گوشه از کردستان انقلابی مورد ضربات و حملات کوبنده و روز افزون پیشروگان قهرمان خلق کرد قرار می‌گیرد. دست به تلاش‌های جدیدی برای دستیابی به اهداف خود زده است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، همانگونه که قبلاً نیز به اطلاع همگان رسید، دستور تخلیه بیش از ۶۰ روستا را داده و اهالی آنها را تهدید به ویران نمودن خانه و گاشانه‌شان کرده و سیاست انهدام بخش وسیعی از روستاهای مقاوم کردستان را در پیش گرفته است. اما گذشت مدت بسیار کمی آشکار ساخت که این سیاست رژیم تنها به ضائق قبلی (تالان، سوزن‌بازی و گورگ سردشت) محدود نبوده و نخواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی در هر کجا که در تنگنا قرار گیرد چنین سیاستی را در پیش خواهد گرفت، کما اینکه اخیراً در منطقه سرشاخان بنده و منطقه پیرانشهر نیز چنین سیاستی را نه تنها به پیش کشیده است بلکه عملی نیز ساخته است. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در منطقه سرشاخان روستاهای گانیزرد و احمد قریب را به آتش کشیده و در پیش چشم اهالی روستاها، خانه و گاشانه آنها را با خاک یکسان نموده است و به اهالی

هر چه گسترده‌تر بود اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

سال تحصیلی ...

جمهوری اسلامی زیر شکنجه های قرون - وسطائی قرار گرفته، زندانسی و با اعدام گشته اند و با ظهور تبلیغات مزورانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و در جبهه های جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق قربانی این جنگ گشته اند. آنها در شرایطی به سوی مدرسه روانه خواهند گشت که در پشت سر خود بحران روز - افزون اقتصادی و گرسنگی و فقر و بدبختی و بیگاری ناشی از آن در سراسر ایران بر شانه های خانواده های آنان سنگینی می کند و حکومت زور و سرنیزه و بی حقی عمومی هنوز هم با تمامی ابعاد، خود را بر تمام مملکتی زحمتکشان ایران تحمیل نموده است.

مدارس ایران اسال در شرایطی بازگشوده می شوند که حکومت جمهوری اسلامی حقوق اولیه اجتماعی را نه تنها از زوده های زجر دیده، سراسر ایران، بلکه از فرزندان آنها نیز در تمامی زمینه ها سلب نموده است و هرگونه آموزش و اندیشه مترقی و علمی را از سطوح کتابیهای درسی آنها حذف نموده، یک مشت خرافه های ضد علمی و ارتجاعی را جایگزین هرگونه آموزشی نموده است.

مدارس ایران اسال در همچون چند سال گذشته مبرر اختناق و تفتیش بر سردر کلاس های درسی حکم گردیده است و چماق سرکوب برای تسخیر ذهن خلق فرزندان زحمتکشان و مجبور نمودن آنها به تمکین به وضعیت موجود، بر تمامی مدارس ایران بیش از همیشه سایه افکنده است.

آری در چنین شرایط خطیری است که دانش آموزان سراسر ایران یک بار دیگر پای به کلاس های درسی می گذارند تا چراغ دانش و آگاهی را با کندوکسا و سیخ و دوجمر خود، از میان تعالیه های آکنده از خرافه و

اباطیل جمهوری اسلامی بیرون کشیده، بر افروخته تر از همیشه نگاه دارند و آنرا به سلاحی برای مبارزه با رژیم در محیط جمعی مدرسه - که به ناگه بر رژیم مجبور به گردن نهادن بر موجودیت آن است - مبدل سازند.

در کردستان انقلابی نیز همچون سایر نقاط ایران، فرزندان زحمتکشان خلق کرده، یک بار دیگر و برای پنجمین بار در زیر سیطره، توپ و خمپاره و گشتار جمعی و انواع و اقسام فشارها پای به کلاس های درسی می گذارند، تا یکبار دیگر چهره گریم رژیمی را که هر روز و هر شب در اقصی نقاط کردستان جنایت جدیدی را می آفریند، روستاها را می سوزاند، مردم بی دفاع را بدمبار می بندد، فرزندان انقلابی خلق را زندانی و شکنجه و تیرباران می کند و در مفاد درسی نفرت انگیز حاکم بر سیستم آموزشی مدارس تویست نمایشند و نفرت انگیزترین تبلیغات ضد انقلابی دست اندر کاران رژیم را در مورد نه تنها خلق کرد بلکه تمامی تاریخ بشری با گوش های خود بشنوند و شدیدترین تفتیش های پلیسی را از سر گذرانده و حقارت وجودی منادیان بی فرهنگی را، مشاهده نموده، هر چه مصمانه تتر مبارزات خود علیه کلیت نظم حاکم را ساز می کنند، بنظور قطع آنچه که از همین امروز و لحظه پا گذاردن بر کلاس های درسی شعله می کشد، اشتیاق به فراگیری دانش و آموزشی است که رژیم جمهوری اسلامی با تمامی وجود خود سد راه آن است.

به هیچکس پوشیده نیست، دانش آموزان کردستان انقلابی امروز بیش از آن که نیازمند آموزش از مفاد درسی رژیم جمهوری اسلامی باشند، خواهان طرد وجود منحوس آن هستند، آنها در جریان عملی زندگی نیز فراز و نشیب خلق خود در غنول بیش از پنج سال گذشته درسی های گرانبهای آموخته اند، آنها بیش از آنکه نیازمند آموزش در پشت نیمکت های مدرسه باشند در میدان پرتاب و تاپ مبارزه، به آگاهی دست یافته اند که به آنها توان انجام قهرمانانه

- ترین تلاش ها را برای وهاشی از وضعیت فلاکت بار کنونی می دهد. آنها بیش از آن که پشت نیمکت مدرسه و در زیر سیطره بوق و گونا های تبلیغاتی رژیم چیزی را بیاموزند در کسور آن مبارزه کنونی خلق خود و در زیر فریادهای پرغروش مسلسل های رزمندگان مسلح خلق کرد در اقصی نقاط کردستان انقلابی آموخته اند که بدون رهائی از قید و بندستم ملی و کسب حقی تعیین بر نوشت ملت کرد، امکان آموزش علمی نیز برای آنها وجود ندارد و در مدارس که گذار به مدارج بالاتر و داشتن نمرات قبولی تنها و تنها در گرو جاموسی به نفع رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی است. بسودن تودید آموزشی که به درد آنها بخورد وجود نخواهد داشت. هم از این روست که امروز دیگر با زنگشانی مدارس برای آنها مفهومی به جز گشایشی نرسمه جدیدی برای فعالیت انقلابی در راستای اهداف کنونی جنبش نمی تواند باشد.

تجربیات شکوهمند جنبش دانش آموزی نه تنها در کردستان انقلابی بلکه در سراسر ایران چه در دوران مبارزه برای سرنگونی رژیم پهلوی و چه در دوران استیلائی ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی به اثبات رسانیده است که این جنبش از چه توان و انرژی قدرتمندی در افشای چهره رژیمهای ضد انقلابی برخوردار است و تجربیات حاصله از چنین روندی آن چیزی است که امروز می باید دانش آموزان انقلابی با توجه به آنها حرکت آتی خود را در جهت مبارزه علیه سیاست های رژیم در مدارس خود سازماندهی نمایند. به ویژه این وظیفه اساسی آن دسته از آموزگاران انقلابی ای است که از زیر تیغ جلادان رژیم جمهوری اسلامی جان سالم به در برده اند و در شرایط کنونی بد امر آموزش فرزندان زحمتکشان حتی در خلفستان با برترین شرایط مشغول هستند که به هر نحو ممکن دانش آموزان انقلابی را با روحیه ای آکنده از عشق و ایمان به راه های تربیت نموده، دهن آنها را با

گمیننه های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

سال تحصیلی ...

از صفحه ۲

آموزش انقلابی متوجه مسائل اساسی مبارزه کتبی ساخته ، در این زمینه از هیچ کوششی با توجه به امکانات عملی خود فروگذار نگنند. ماهیت واقعی تبلیقات رژیم و مواد درسی غیر علمی و خرافه رسی را برملا ساخته ، دانش آموزان را با دانش واقعی بنویس آشنا سازند.

در آگاهی را در میان آنها بیفشانند. و جنبش دانش آموزی را با سلاح واقعی مبارزه بسا جهل و خرافه هر چه بیشتر آشنا سازند. از سوی دیگر جنبش دانش آموزی نیز می باید بسا قدرتی بیشتر از همیشه امسال نیز علیرغم تمامی سرکوب و تنقیش رژیم ، مدارس را به میدان افشای رژیم و مبارزه علیه سیاست های ارتجاعی آن مبدل سازد. و متحد و یکپارچه در مقابل دسایس کارگزاران رژیم

در مدارس ایستادگی نموده ، به ایجاد جو دمکراتیک در مدارس و تحصیل آزاده یعنی خود پر مزدوران رنکار رژیم بسازد. - مای خود فروخته ، بپردازد. دانش آموزان انقلابی با ایجاد تشکل های مخفی در مدارس (هسته های مقاومت مخفی) و جنبش های مبارز آگاه و فعال به درون آنها جهت هدایت عمومی حرکت دانش آموزان حول مسائلی که می توانند در هر مدرسه ای مطرح باشند. هر چه فعالانه تر به ایجاد جو دمکراتیک در مدارس بپردازند و بدین وسیله هدایت جنبش دانش آموزی را به دست گرفته و به امری در جهت تبلیغ آرمان های انقلابی جنبش خلق کرد و افشای سیاست های رژیم در کوردستان مبدل نمایند. آنها باید این امر را هیچ وقت فراموش نکنند که امسال نیز همچون سال های گذشته می باید مدارس سراسر کوردستان به میدان مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ، افشای جنایات آن و عرصه دفاع از مبارزه قهرمانانه خلق کرد گردد. و آنها باید با طرح و پیش شعارهای جنبش به طور کلی و شعارهای مشخصی در

زمینه های فکری همچون حمایت از زندانیان سیاسی و خرابی های آزادی آنها ، افشای شکنجه های قرون وسطایی رژیم ، ضرورت حمایت هر چه گسترده تر از نیروهای مسلح خلق کرد یعنی پیشترگان قهرمان خلق و ... هر چه بیشتر در راستای جنبش مقاومت نموده ای در سراسر کوردستان حرکت نموده ، و به عنوان بخشی از جنبش توده ای به وظایف خود عمل کرده و بدین وسیله حرکات خود را با پیشرفت عمومی جنبش ها همگام نمایند.

جنبش دانش آموزی در کوردستان ، امروز بیشتر از هر زمان دیگری باید با آموزش از تجارب گذشته خود مدارس را که جمهوری اسلامی تسلط می کند به جولانگاه خود تبدیل نماید ، به مرکز مبارزه علیه رژیم و تبلیغ اهداف انقلابی جنبش مبدل نماید و بدین وسیله و با چنین درگی از آغاز سال تحصیلی جدید به استقبال آن بشتایند.



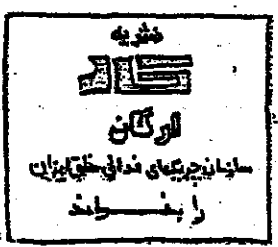
گسترش آتش جنبش
از صفحه ۲

برای کسانی که مسائل جنبش صرفاً در محدودیه واقعه های حاضر خلاصه میشود. واقعیتهاست که برای آنها تغییر ناپذیر و با حداقلها رها پذیر هستند. شاید این امکان وجود نداشته باشد ولی برای آنهاست که به آینه های این جنبش و گسترش آتشی آن می اندیشند. روشهاست چنانسی که مدافع اساسی جنبش و آینده پیروز مند آن مطرح است از هیچ کوششی نباید فروگذار کرد و از مبارزه با هیچ انحرافی و طرد هیچ دیدگاه غلطی نباید هراس داشته چرا که بدون تردید می توان گفت رشد و گسترش آتشی جنبش تنها و تنها در گرو حمل و معضلات کتبی آن در زمینه سازماندهی قدرت توده ای از

ساده ترین تا پیچیده ترین اشکال آن است. تا قبلا دیدگاههای خود را در این زمینه همراه با طرح پیشنهادی خود

ارائه داده ایم. و از تمامی نیروها می خواهیم با این امر برخورد مسئولانه نموده. و زمینه یک حرکت همسنگ و اصولی در جنبش انقلابی خلق کرد را باز نموده و همکاران را برای تکمیل و گسترش آتش آن مبارز نمایند.

* رجوع شود به سلسله مقالات تحت عنوان اکتلاف های موجود اتحادهای آینده در رنگای گسل ۲۰۱۸/۱۷



در باب یک ریسمان ...
صفحه ۱۲

"مشکوک ... هرگونه فعالیت را در کالی که منجر به طرد و خروج آلترناتیو پرولتاری شود. به کند و زمینه های تکلیف کمونیستها را از هم آنگسبون فریاد نماید.

ج: لازم است دفاع از اردوی "عدالت و آزادی" از طریق رنگ آمیزی آن با روشی ترین رنگها صورت پذیرد.

حال "ریسمان" های انتقابی مهادین تا به امروز باید به روشنی و وضوح کامل نشان دهد که آنها در کدامین یک از مراحل آزمایشی فوق به سر می برند. و امروز تمامی تظاهرات جانفشانی فاجعی که متلا کتون صورت گرفته است. آنها را به ایضا رسانده در چانه سر مهادین بالاخره در چانه سر درآورده اند که الزاماً باید سردر می آورند.

پنجمین سال جنگ

در صفحه ۱

وسایع درآمد ملی جرد و کشور را در کام خود فرو بریده و مدتها هزار کشته و مجروح و معلول و میلیونها نفر آواره و بیخانمان از خود بر جای گذاشته است. چهار سال پیش زمانی که این جنگ در ایستاد بسیج گسترده و سهمگینی شروع شد و در عرض چند هفته بخش اعظم مویسات اقتصادی طرفین را طعمه حریق ساخت. کمتر تصور می شد که این جنگ تا این اندازه ادامه یافته و بدین وسیله و در شرایطی نظیر شرایط امروز طرفین، به حالت رکود در آید. ایستاد جنایت بار چهار سال گذشته جنگ و ادامه بیلاتکلیف آن در شرایط کنونی و رشد روز افزون احساسات ضد جنگ در میان توده ها به ویژه در دو سال اخیر وحله بی حاصل رژیم به خاک عراق و سازماندهی حملات پرسرو صدا و بی نتیجه و تحمیل تلفات انسانی فوق العاده زیاد، امروز امرواح شعار صلح را از سوی نیروهای سیاسی به یک ساله جدی تبدیل نموده است. که هر کدام از آنها در طرح این شعار اهداف مرحله ای خود را نیز دنبال نموده و آنرا گامی در جهت تحقق اهداف جنبش انقلابی در این مرحله محسوب می دارند.

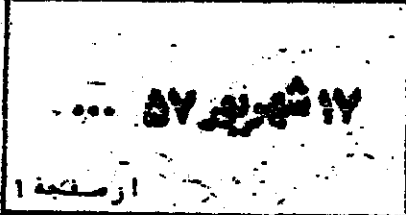
آنچه گماز همان فردای شده - و در شدن نافره جنگ کنونی مشخص بوده و هست بهره گیری رژیم از این جنگ در چهار سال گذشته، در جهت حل معاشل و مشکلات عدیده، خود در مقابل دبا و سمیت بحرانی درون جامعه و بسیج نیرو برای سرکوب جنبش توده ای و زمینه سازی برای پنجمین سرکوبی بوده است، رونق است که رژیم جمهوری اسلامی تا زمانی که نتواند بر بسیاری از این مشکلات غلبه نموده و زمینه های ایجاد شده توسط جنگ کنونی را کاملاً تحکیم نماید، تی به صلح

نخواهد داد و همچنان بر ماله اصلی بودن جنگ کنونی تاکید خواهد کرد. از همین رو نیز سازماندهی احساسات ضد جنگ توده های زحمتکش کدبار اصلی جنگ بر خانه های آنها سنگینی می کند و دادن ست و سوی عین به خواست آنها یعنی برپایان دادن به جنگ کنونی باید موضوع اساسی تمامی تلافی های سازمانگرا نه نیروهای انقلابی را تشکیل دهد. آنچه که مسلم است از گذشته چهار سال به خوبی آنرا افکار ساختارست بر پشت جنگ رژیم برای پیش از آن که در برزخ تعیین گردد، در داخل برزخ های مبارزه طبقاتی درون جامعه نصب گردیده و در کلیت جنبه پیش از آن که بیانشگر تملیلات توسعه طلبانه رژیم باشد، سرپوشی بر این مشکلات عدیده رژیم در مقابل با تضعیف و شکوفایی این مبارزه بوده و در خدمت سرکوب آن قرار داشته و دارد. و به همین لحاظ نیز امروز تاکید صرف بر پی گیری شرط بی شمار صلح به طور کلی به عنوان یک راه حل سال جنگ در شرایطی که توده های زحمتکش سرانجام ایران دوران انقلابی پر تحرک و پخت سر می گذارند و جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سرنگونی سلواست رژیم رابسته عنوان عامل اصلی نه تنها جنگ، بلکه تمامی مشکلات اجتماعی امروز خود، در پیش روی دارند نه تنها یک شعار کاملاً انحرافی و عقب مانده و غالی از هرگونه مضمون انقلابی است بلکه راهکنای هیچگونه چشم انداز روشی برای توده های انقلابی نیست. و بیانشگر بی مومندی خیر خواهانه در مقابل جنگ کنونی است. در صورتی که طبقه کارگر و به طریق اولی سایر زحمتکشان سرانجام ایران در مقابل این جنگ بی موضع نیستند. موضع آنها نه دفاع طلی بورژوازمندان، نه حمایت از جنگ کنونی، نه بی طرفی در مقابل جنگ کنونی، که مشخصاً به اهداف ارتجاعی بورژوازی در کلیت آن خلاصت می کنند، بلکه دقیقاً برپایان قطعی دادن به جنبش خانمان براندازی از طریق تبدیل آن به فتود یعنی به جنگ داخلی و جنگ علیه بورژوازی

خودی و بدین وسیله سرنگونی آن و رسیدن بدین صلح از طریق اعمال اراده دمکراتیک توده ها است. طلی است که جنبش طلی تنها با سازماندهی اراده قدرتمند توده ها حول شعار معین و متمایز به صلح دمکراتیک از طریق تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی تحقق پذیر هست. صلح خواست عمومی توده ها - است و بدون توده زمین های برای سازماندهی مبارزات توده ها نه تنها در مدت و ده ها اعتقادات و درک ابتدائی آنها، بلکه در ارتقاء یافته ترین شکل آن، در شرایط متحول کنونی است و گمانی که با طرح شعارهایی از قبیل زنده باد صلح و غیره با اصطلاح سازماندهی توده ها حول شعار سرنگونی غیر مستقیم رژیم را تحمیل عنوان بی می کنند. یا به اهمیت سازماندهی توده ها حول شعارهای تعرضی توده ها دوران انقلابی نمی اندیشند. یا دچار محیب ترین و عقب مانده ترین نوع اکتویسم در امر برخورد به هدایت سازمانگرا شده ها هستند. عاجز شارهائی پیش از آن که بتوان توده ها و صلح مبارزاتی آنها را ارتقاء داده و اثری انقلابی آنها را برای تغییرات و تحولات اساسی متناظر بر یک دوران انقلابی سازماندهی کرده، تنها می توان آنها را به عقب گرد واداشت. و سلطین چنین شعارهایی در بهترین حالت اشتیاق عجیبی برای کنترل دادن حد فعالیت خود به صلح نه پیشروترین بخش توده ها، بلکه تملیلات عقب مانده ترین بخش آنها از خود نشان می دهند.

ساله اساسی امروز است که چگونه باید این خواست عمیق توده ها، به پایان دادن جنگ را، به اهرمی برای تحقق اهداف انقلابی آنها تبدیل ساخت آیا باید آنها را با روحیه انقلابی و با شعارهای انقلابی برای نبردهای آینده مجتمع شود یا با شعارهای اکتویستی و کاملاً شاهی از مضمون طلیاتی پیشرو، آنها را در همان گام های اول به درجا زدن واداشت و روحه حرکت از غیر مستقیم به مستقیم یا به عبارتی دیگر حرکت در صفحه ۱

تنها راه رسیدن به صلح نه دمکراتیک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.



پهلوی در هراس از گسترش دامنه مبارزات توده ها و اوچرور افزون جنبش عمومی، تجمع و تظاهرات آرام توده ها در شهر تهران را به خون کشید و ارتش را در تمام نقاط شهر به میدان مقابل گنبد خورشید با مردم کشتار و هزاران قربانی فقط یک روز به شهامت رسانده، حتی بانهای تهنسوان را به حمام خون تبدیل ساخت. یورش خونین ارتش به صفوف مردم و به گلوله بستن آنها اگرچه قربانیان بسی شمار را بدینال داشت ولی نتوانست رژیم را در مقابل نه آزاده تاریخی توده ها کمترین کنگی نماید. سرکوب و خشیانته و ددمنشانه ۱۷ شهریور ماه نه تنها نتوانست توده ها را بسد سکوت در مقابل گلوله و سرنیزه وادارد، بلکه دامنه جنبش توده های را گسترده تر نیز ساخت و بر شعله های خشم توفند شده ها افزود و برای واقمیت مسلم حقه گذاشت که دیگر رژیم پهلوی قادر نخواهد بود، به شوه گذشت حکومت کند. و بسا بر گلوله ای که در ۱۷ شهریور بر عینه های مردم تلک کرده، حکم مرگ خویرا امضا نموده است.

بیش از نیم قرن حکومت سیاه پهلوی، دیکتاتور و نجام گسیخته، ترور، زندان شکنجه فقر و استیصال توده ها، غارت دسترنج کارگران و زمینکنان بی حقی عمومی، چپاول منابع درآمد ملی توسط امپریالیستنه فقر روز افزون و فلاکت عمومی توده ها، نابسامانی اجتماعی مدتها قبل از ۱۷ شهریور ماه ۵۷ انفجارات بنیان کنی را که پایه های اقتدار سیاه پهلوی رژیم و حامیان او را به لرزه در آورده، نظام اجتماعی اقتصادی موجد دیکتاتوریمان گسیخته را مختل ساخته بسوده بحران اقتصادی، اجتماعنی و سیاسی تمامی ارگان جامعه را در نور دیده بود و ۱۷ شهریور کبریت اشتعال چنین بهرانی بود که شعله های آن تمامی ارگان قدرت نظامی - بوروکراتیک

حاکم را درهم پیچیده آماج بویش آتی خود ساختند دیگر هیچ سرکوب و تندبیر را بسارای مقابل با طوفان برخاسته از جریان واقعی زندگی توده های میلیونی نبود. ۱۷ شهریور به تنهایی بیانگر این حکم تاریخی رشد مبارزه طبقاتی در تابستان سال ۵۷ در ایران بود.

تظاهرات خونین تهران و برقراری حکومت نظامی در بسیاری از شهرهای ایران نشانگر تجلیات واقعی خنجر شرايطی بود که حرکات و اعتراضات توده های پرپرتر آن شکل گرفته و به بلوغ خود رسیده بود و در حقیقت نمودار سیر واقعی تگونین یک موقعیت انقلابی در جامعه بود.

بدینال وقایع ۱۷ شهریور جنبش توده های با اوچوه سنگ شاپذیری سراسر ایران را فرا گرفت و انقلاب با شتابی تندتر از پیش به پیش تقاته بسد مراحل خطیر و تعیین کننده ای پا گذارد. دیگر خود سیر حوادث خط بطلان قطعی کارآیی ماشین سرکوب نظامی رژیم و امکان هرگونه رفرمی در چارچوب وضعیت حاکم کشید، و همه تلاشهای احزاب سازشکاری را که در مسدد بهره برداری از جنبش توده ای و محدود ساختن دامنه عمیل آن بودند با شکست مواجهه ساخت، دیگر توده ها آه سوم واقعی و دهشتناک رژیم حاکم و حامی آنها در عمل آزموه بودند دیگر ارتش سرکوبگر روزارخانه آن به هدف واقعی توده ها در سرنگونی رژیم تبدیل گشته بود و همین ارتش نیز در مقابل سینه های سیر کرده توده های به عرض اندام پرداخته بسود. و هرگونه تلاشی در جهت حفظ تمامیت نظم موجود از جمله ارتش فدر مردمی، محکوم بسد شکست در مقابل اراده توده ها بود و شعار "ارتش برادر ما است" که از سوی اکثر جریان سیاسی بورژوازیستی و خردور بورژوازی در میان توده ها تبلیغ می گشت در عمل شعاری خالی از مضمون و مفهوم واقعی بود و این اعتقاد عمیق را توده های زمینکش در قیام بهمین راه به عمل تبدیل نموده و بسا عملات خونین با دگانها و مراکز ارتش و مبارزه رودر رو و مسلحانه با یگانهای ارتش و پلیس

در سراسر ایران و خلق سلاح با دگانها به اشکات آنچه کسه در ۱۷ شهریور با گوشت و پوست خود آنها لمس نموده بودند برداختند.

نخستین آموزش همگام ۱۷ شهریور ۵۷، بسا اعتدای مطلق توده ها به ماشین سرکوب عریض و طویل حاکم بود و آزمون قطعی آن در مقابل اراده توده ها و در جهت حفظ تمامیت نظم حاکم و نابسامانیهای اجتماعی اقتصادی ناشی از آن بود. در این روز توده ها بگبار دیگر و با تمام وجود خود این درس تاریخی بزرگ را آموختند و در عمل هر گونه گشتی برای نظیر جنبش موجود منفوری را به اشکات رسانیدند. درس بزرگی که هنوز هم توده ها آنرا در فراموش کرده اند و نه خواهند کرد. و هر نیروی که خواهد این آموزش عملی و خونین توده ها را نادیده انگارد از همین امروز محکوم و مطرود توده ها است.

دومین آموزش ۱۷ شهریور ۵۷ و حوادث متعاقب آن، بیانگر این امر اساسی بود که هیچ گونه سرکوب گسترده و وسیعی نخواهد توانست توده ها را از حرکت خارج کند. برای تحقق آرمانهای بحق خود، باز داشته و آینه شده سرکوبگران آنها را تضمین نمایند. ۱۷ شهریور محدودیت آنها به گذشتا روست نیز و موقتی بودن آنها برای همیشه بسد اشکات رسانید. همانطور که گذشتا ۱۷ شهریور نتوانست نتوانست جنبش توده های را از حرکت باز داشته موفقیتی برای رژیم پهلوی مبار آورده بلکه توده ها را در پی گیری اهداف انقلابی خود هر چه مصمم تر ساخت و وضعیت نابسامان رژیم را هر چه آشفته تر نمود، تفاده های درونی هیات حاکمه را تشدید کرد و هرگونه قدرت تحرک سیاسی را از کلیت آن سلب نمود.

امروز در شرایطی ۱۷ شهریور ۵۷ روز دلآوری و استقامت توده و روز شکست قطعی تلاش های رجعی رژیم وابسته امپریالیسم جهان را با تمامی ساز و برگ نظامی آن گرامی میداریم که رژیم جمهوری اسلامی مدتها مست پای خود را جای ایلاف سرنگون شده خود نهاده است و نه تنها در طول بیش از پنج سال گذشته به خواست های حق طلبانانه در صفحه ۸

۱۷ شهریور ۵۷ ...
از صفحه ۷

خون شهدای ۱۷ شهریور و بیاتگری
عدم وجود هرگونه آموزش سیاسی
از تجربه خونین جنبش تسویه ای
ایران حداقل در چند سال اخیر
است.

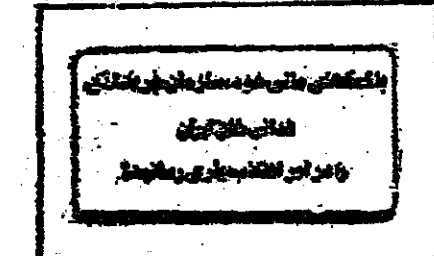
تا ریخ پنج سال گذشته
نشان داده است که بی اعتباری
به تجربیات جنبش توده ای و
پشت پا زدن به آرمان و خواست
شده ها و زیر پا گذاشتن آموزش
عملی مبارزات آنها راه به گما
می برد و چگونه چنین جریانهای
سرازمه ای جایی در می آورند که
توده های زحمتکش علیه آن
مبارزه کرده و می کنند، چگونه
به دفاع از موجودیت طبقه
سرمایه داری وابسته ایستوان
بر می خیزند که تمامی نفس و
فلاکت و ادبار توده ها حاصل
وجودی آنهاست، وجود مستطی
و جنگهای خونین با طبقه و نعت
ستم و کشتار و انقیاد آنها
محمول اجتناب ناپذیرها کمیت
آنهاست.

در سالروز ۱۷ شهریور ۵۷
دلایری توده ها را ارج نهاده
از آموزش عملی مبارزات آنها
بیاموزیم و به آرمان آنها
وفادار بوده، گام های هر چه
محکم و استوارتری را برای تحقق
آرمان خلق ناپذیر شهیدانی
۱۷ شهریور که همانا ایجاد جامعه
- ای دموکراتیک و فزاری از هر
گونه بیعدالتی و فئودالیستی
است، برداریم.

به چه کسانی باید اعتماد کنند و
از چه کسانی باید سلب اعتماد
شمارند. امروز نیز همچون روزهای
قبل و بعد ۱۷ شهریور ۵۷ کم
نیستند کسانی که در صدد شمار
آرتش برادر است را احیاء
نمایند و از در هم شکستن پایه های
قدرت کلیت نظم سرمایه داری حاکم
جلوگیری نمایند. امروز نیز
چون آن روزها کم نیستند
کسانی که تصور می کردند و این
ایده را تبلیغ می نمودند که اگر
شاه بروی همه کارها در دست
می شود، فکر می کنند با سرگی
خمنی "یا حذف یک مشت آخوند
و غیره" همه کارها رو بر آید خواهد
شد. ۱۷ شهریورهای دیگری در
ایران اتفاق نخواهد افتاد
۱۷ شهریور چهره کریم و ریس
کار چنین نیروها شود بر مولا
ساخت.

امروز ما در شرایطی ۱۷
شهریور را گرامی میداریم که
جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان
سراسر ایران در طول سالیان
گذشته، گام های عظیمی را به
پیش برداشته است و از تجربه عملی
خود، درس های گرانبها نسی
آموخته است و اهداف واقعی خود
را تا حد بسیار زیاد دریافته است
و آماج اصلی خشم فروخورده خود
را باز یافته و در اقصی نقاط
ایران آنها آماج اصلی
مبارزات قهرمانانه خود ساخته
است.

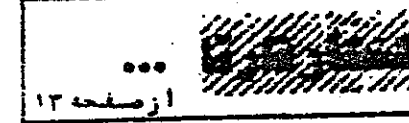
امروز دیگر هرگونه فساداری
به آرمان ۱۷ شهریور ۵۷ و خون
سرخ شهدای آن مفهومی به جز
تلاش همه جانبه در جهت درهم
شکستن عالمی گفتمان دست
جمعی و قتل عام توده های بیسی
بلاخ در خیابانهای تهران در این
روز سیاه ندارد و هرگونه عدول از
جنبش امری به مفهوم خیانت به



سرکوبگرانه کردند بلکه قدمی
نیز در برابر فشارهای رژیم
به عقب نگذارند.
بگوئیم در پنجمین سالگرد
قتل عام "قارنا" توسط رژیم
جمهوری اسلامی با شرکت هر چه
گسترده تر در جنبش مسلحانه
خلق کرد با تبلیغ و ترویج
برنامه و آرمانهای انقلابی در
بین توده های زحمتکش و
سازماندهی تشکیلاتی و ارگانه های
توده ای و تجمع نیروهای انقلاب
در راستای پیروزی جنبش
انقلابی خلق کرد گام برداریم.

و کاشانه زحمتکشان و انهدام
روستاها، هر چه بیشتر حمایت
توده های زحمتکش را از
پنجرگان محدود سازد و بسر
تعدی و فشارهای متعدد بسر
توده های خلق کرد بیافزاید.
همانطور که واقعیه های
گذشته تاکنون به اشیات
رسانیده و خلق قهرمان کرد نیز
در عمل آن را تجربه نموده است
تنها و فقط تنها کافیت کسه
توده ها با اراده ای واحد،
متشکل و یکپارچه به مقاومت
و مبارزه علیه این سیاست
ضد خلقی بپاییزند. نه تنها
مانع اجرای این سیاست

کارگران و زحمتکشان سراسر
ایران که حماسه ۱۷ شهریور
۵۷ جزئی از مبارزات مترک آنان
بود موقتی ننهاده است بلکه
در سرکوب مبارزات آنها بی
فرا تراز رژیم گذشته نیز نهاده
و هر روز بیشتر از روز پیش بسر
ابعاد ارتجاعی سیاست های
سرکوبگرانه خود افزوده است.
نه تنها دوباره ارتش
فدومر می را با بازی نموده است
بلکه بر شاخوبرگ ماشین نظامی
- بوروکراتیک سرکوب توده ها
افزوده و انواع واقعا م نهادهای
ارتجاعی تحت عناوین مختلف
بر زندگی عادی توده ها نیز
حاکم گردانیده است و بدین
وسيله با افزودن بر ابعاد
سرکوب توده ها گام های هر چه
بیشتری را در جهت حفظ نظام
فالمعنه حاکم برداشته است.
و تجربه ۱۷ شهریور به
می آموزد که توده ها را با چه
روحیاتی باید برای درهم
شکستن پایه های اقتدار ارتجاعی
رژیم و با آموزش از کدام تجربه
عملی خود توده ها، سازماندهی
نموده، مبارزات آنها را به
اشکال عالی تر ارتقا دهیم و کدام
خط و شی معین را در میان آنها
تبلیغ نموده و کدام سیاست های
سازگاران را که هدف آنها حفظ
موجودیت نظم کنونی است، افشا
و طرد نمائیم، و یکبار دیگر آئینه
تجربیات خونین را خود توده ها را در
مقابل آنها قرار دهیم که بدانت



اگر با کشتار قارنا و گسترش
مبارزات مسلحانه زحمتکشان
کردستان تا کنون کلیه نقشه های
ثوم و پلید آن در کردستان
نقش بر آب گردیده است. امروز
رژیم مترد آنست تا آخرین
عربه هایش را که ابسادی
ناجعه امیزتر از قتل عام قارنا
و دره دارد را به مرحله اجرا
در آورده و با ویران ساختن خانه

شورای وقت و مسئولان ...
از صفحه ۱۸

تعمق است. یعنی کسی که در آن
"نویسندگان" اطلاعاتی نسبت به
مقاماتی "جریان اقلیت" اظهار
نمودند کرده و به آن "مشکوک"
شده اند. متن کامل این
پاراگراف بدین قرار است:
"امادر و رای این طرزهای
تلیخ باستی مراعات" و به
"مردمان کنیم که ما در سلامت
سرچشمه ها و آشغال
موضع گیری های فدائیان اقلیت
تردید داریم و همین موانع را
در چارچوب کودکی و جنم هم چینی و
احساس رقابت خرد بورژوازی و
بورژوازی نمی توانیم تفهیم
کنیم. اینهاست که بنظر ما این
میزان مدیریت با مجاهدین
و اینگونه شعار انقلابی گردن
شورای ملی ملا و مسست دادن
دقیقا" به نفع شما انقلاب غایب
و مطلوب و به نفع (امریالیسم) و
با لآخره تبلیغ با ثباتی رژیم
خسینی و فدیت با شما رمل
- آنهم در شرایط تبر باران و
تق آویز مستمر رشیدترین
فرزندان خلق - نمی توانند از
سرچشمه چندان مالمی شکست
گرفته و عاری از هر عنصر "مشکوک"
باشد. از این رو ما از نیروهای
انقلابی و دمکراتیک و هواداران
این نیروها می خواهیم در این
رابطه هوشیاری بیشتری در قبال
اقلیت داشته باشند و تاروشن
شدن سرچشمه مواضع فدائیان
این گروه از ادمدروابط سیاسی
با آنها پیر هیزند. بسیار شدیدی
بایستی روشن شود که جنبش
مواضعی از کجا سرچشمه می گیرد و
بد کجا راه می برد."
با اینجا روی آن کلماتی
نکته کردیم که خائز هستند و در
خور تعمق است. بی شک ذهن
خواننده دقیق، موافقا باشد از
بی این لحن پر خاشاکانه و سوزن

به دنبال ادله و اسناد است. اما
پس از تحقق فراوان کثمتی هم
در باره آن بهرمانند. آیا علیت
سکوت "نویسندگان" این نیست
که به الحرائق کوشی بیگینر خود
در این زمینه واقف هستند؟
ارائه اسناد و مدارک روشن و
تویا و اظهار نظر واضح و مستدل
در باره علت "هوشیاری بیشتر"
که کلمات "منازع والای جنبش"
انقلابی ایران آنها را در فرسایشی
اجاب می کند، چه مسا منجربه
افشای بیشتر از پیش ما حیت واقعی
خود می شد. ولی نباید از این
باید دل آزرده شد. مجاهد جنگ
"ریسمان" قدیمی را بر می دارد،
یک مارک "تازه" به آن می چسباند
و آن را به عنوان یک اپوزاز
موشر بر علیه جنبش نویسن
کمونیستی ایران بکار می گیرد.
با تلافی که سازمان مجاهدین را
از روی بی سلیکی به کام خود
فرورنده است آنها را بر آن
می دارد تا در پی راه نجاتی برای
خود باشند. لیکن خرافات
مأحیان اصلی "ریسمان". چنان
در تار و پود وجود رهبران آن
رموخ کرده است که جز سر کپیچه و
آشفته گی، ارفغانی برای آوها
به جای نمی گذارد.
اینکه مجاهد چگونه و با جد
امدی راه نجات و خلاصی خود را
در این "ریسمان" شناخته شده
یافته و این عمل را چرا و چگونه
انجام داده است، باید یک
کمدی واقعی باشد. اما ابتدا
باید دید دلایل تامل بدان، که
احتمال دارد "نویسندگان"
مجاهد در اطلاعیه از آن تبعیت
کرده باشند چیست؟
آیا تحلیل رینگای گدل از
اهداف رژیم جمهوری اسلامی در
جنگ و چشم اندازهای مسئولان
آینده، آنها را در این "انقلاب"
مغمم کرده است؟
"نویسندگان" بر آنند تا با مسئله
کردن مطالب مخالف و هدف بخشی
سهمی از آن (آنهم بطور
ناشیانه و ناخوشی) چنین وانموده
سازند که گویا "جریان اقلیت"
"در فدیت با مجاهدین" در صدد
"تبلیغ با ثباتی رژیم خسینی"
است.
اما بیستیم مرتضی رینگای
- گدل (شماره ما) در این باره
حد می گوید: مقاله پس از تشریح
دهفتها و مصافح ناشی از جنگ و
گسترش آن در سطح منطقه، در
ماه های اخیر و دعای طرفین
درگیر جنگ، به اقدامات متعدد

و گسترده ای که در عرصه بین
المللی در زیر فشار افکنار
نموسی برای پایان دادن به
جنگ دولتهای ایران و عراق
آغاز شده است، اشاره دارد. و
در پاسخ به این سؤال که تا چه
حد تحقق این اقدامات ممکن و
میسر است؟ به لزوم روشن شدن
زمینه های عینی توقف جنگ و
عواقب ناشی از آن می پردازد.
در این راستا می نویسد: برای
بررسی این مساله قبل از هر چیز
لازم است اهدافی که رژیم جمهوری
اسلامی طی این جنگ دنبال
کرده است، مورد بررسی قرار
گیرد، تا بر اساس آن بتوان به
سئوالات بالا پاسخ داد. در این
رابطه اهداف رژیم به
۱- اهداف سیاست داخلی
۲- اهدافی که با سیاست خارجی
آن مرتبط است، تقسیم می شود.
در بررسی اهداف داخلی پس از
توضیح اینکه جنگ در شرایطی
آغاز گردید که یک موج وسیع
انقلابی رژیم را لخته به لخته
در بحرانی زرف فرورده بود،
به دو هدف اصلی اشاره دارد.
الف: رژیم "از یک سو
کوشید که در جریان جنگ بطور
مداوم ارتشهای مرکب خود و
در رأس آن ارتش (که در جریان
قیام آسیب جدی دیده بود) را
سازمانی کند و با ارتشهای
جدید نظیر سپاه، کمیته ها و
سیخ آنها تحکیم و تقویت کند
تا بدین طریق پایه های اقتدار
سیاسی بورژوازی را در برابر
تحرکات انقلابی توده ها مستحکم
سازد."
ب: "و از سوی دیگر بنا
بر انگیزختن احساسات
ناسیونالیستی توده ها و تقویت
گرا بنات شوینستی در میان
مردم مسائل اساسی انقلابی
توده ها را تحت الشعاع مسئله
جنگ قرار دهد. ذهن مردم را
متوجه جنگ کند و به قول سران
رژیم جنگ را به مثابه اصلی ترین
مسئله جامعه در آورد".
س: افزایش رژیم جمهوری اسلامی
طی نزدیک به چهار سال ادامه
جنگ تا حد زیادی به اهداف
داخلی خود دست یافته است. به
عبارت دیگر تا حد زیادی گواخته
است مخالفین سیاسی خود را
مرکوب کند. مانع از اعتراضات
و اقدامات مستقل و سازمان یافته
شده نشود و تضادهای بحرانی
داخلی خود را تعدیل دهد. و در

درواپ یکه و پیمان ...

نتیجه این جنگ تا همین حدیه دوام و بقاء آن مدد رساننده است. مقاله در این میان از عوامل کمک کننده بین المللی به ویژه تلاشها و حمایتهای امپریالیسم و ارتجاع منطقه و حتی تأکید بالخصوص طولانی مدت دولتهای مترقی و انقلابی جهان تحت عنوان "مبارزه ضد امپریالیستی" که رژیم را در تحقق نسبی اهداف داخلی اش یاری رسانده است، نام میبرد. نویسندگان اطلاعیه بعد از خلط این مبحث، با حذف بخش مربوط به اهداف سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی و اقدامات متعدد بین المللی، برای سایه افکندن بر روی کنه مطلب اصلی، مطابق معمول خود را ملزم به نتیجه گیری عجولانه کرده و چنین حکمی را صادر می کنند: "اپورتونیزیم علاج - تابندیز و عمیقاً راست (!!) اقلیت، تابدانجا بینش و تار و بود نظری این جماعت پیوسته در حال تلاشی و انشعاب را تپناه کرده است که حتی قادر به دیدن خورشید درخشانترین مقاومت انقلابی خلق ما و پیشتاران مجاهدش (!?) نیست و مقاومتی که ریشه های "دوام و بقاء" رژیم ضد بشری خمینی را بر آید همیشه نابود کرده و امکان بازسازی را برای آنان در تمام میتش از بین برده است." نخست اینکه اعمال و آرزوهای آنها در باب "پیوسته در حال تلاشی و انشعاب" موجب تبسم ما می گردد. و این تبسم بطور قطع همچون کشیده کار - سازی به گوش آنها خواهد خورد. سپس اگر با عسارت مغرورانده شان قصد آن دارند تا گریبان خود را خلاص کنند و سرکوب خونین خلق ما و پیشتاران اش را به تنیا مجاهد و شکست استراتژی و تاکتیک خود را منگوشوند، ما می گوئیم و اقعیات نیرومندتر از نیاز و - گوئیهای آنهاست. امروز برای هر کسی که می خواهد، فاکت و واقعیت تلخ، دردناک و ناگوار را ببیند و نمی خواهد سرش را در لای خود فرو برد و چشمان خود را

ببندد، این ساله اظهر من الشمس است. آیا رژیم موفق به سرکوب خونین تهرضا - انقلابی توده ها و پیشتاران آن نشده است؟ آیا رژیم جمهوری اسلامی در سرداوم این جنگ تبیکارانه ارگانهای سرکوب خود (در رای آن ارتش) را بازسازی نکرده است؟ مجاهدین که زمانی به سرای سرنگونی خمینی ماه تعیین می کردند و هزاران نفر را به مسلخ بورژوازی لعجام گسیخته فرستادند و دست آخر سال ۸۲ را سرنگونی ضربتی خمینی اعلام کردند، چگونه بعد از دو سال و اندی به امکان پذیر نبودن سقوط شتابان رژیم رسیده اند (نقل به معنی از مجاهد ۲۰۸) مجاهدین که برای پنهان کردن علل شکست خط و منی خود مدام به فازهای گوناگون تبلیغاتی تامل می کنند، ضربات وارده بر بیکر تشکیلات خود و سایر نیروهای انقلابی را به حساب کدام یک از پیشتر اهداف رژیم می گذارند؟ بیلان ۱۲۰ هزار لیر و ۲۰ هزار شهید دلالت بر چه دارد؟ پی ملوم می شود نویسنده گان اطلاعیه قصد دارند تا این تناقض گوئیها را با تبلیغات کاذب، گفتارهای سطحی و مضحک لاپرواخی کنند. اما ما می گوئیم حقیقت را هر چند که دل آزار و تلخ باشد نمی توان در برابر مردم آرایش داد. حال بسیم جوا آنها در باب تحلیل ریگای گمل از اهداف خارجی رژیم به عنوان "جزء لاینفک سیاست داخلی آن، یکسوت اختیار نموده اند؟ - لابد "مصلحت" این را ایجاب می کرد - برای این منظور تفسیر و ذکر نقل قولهای از مقاله ریگای گمل ضروری است هر چند که این امر مطلب را ثقیل کند ولی برای پی بردن به کنه مطلب راهی به جز این نیست. درک سبک غفزانه "نویسندگان" اطلاعیه آنسرا اجتناب ناپذیر می آزد. در مقاله در تشریح و بررسی اهداف سیاست خارجی رژیم آمده است "رژیم جمهوری اسلامی که یک حکومت مدهنی است پسان - اسلامیم و رویای پسان - امپراطوری اسلامی را در محور سیاست خارجی خود قرار داده است. این سیاست که توسعه - طلبی جز لاینفک آن محسوب می گردد و برای پیشتر اهداف خود به ناکزیر می باید در

جنگهای مداوم خارجی درگیر باشد. آنگاه می افزاید که اگر چه عوامل متعددی که در سالیان بدان اشاره رفت به رژیم امکان دستیابی به اهداف سیاست داخلی خود در جنگ را می داد اما چنین عوامل مساعدی برای تحقق اهداف سیاست خارجی رژیم وجود ندارد. نخست اینکه توان و ظرفیت اقتصادی - سیاسی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی در حدی است که به آن امکان نمی دهد بدویهای توسعه طلبانه خود حاد عمل بیوشاند" و مثال بارز آن، آخرین تیاجم رژیم است که علیرغم به کارگیری حداکثر تکنیک جنگی و امکان تدارکاتی با شکست مواجه شد. دوم آنکه "امپریالیسم امریکا و دولت مهبونیستی اسرائیل که تنها برقراری توازن کنونی بین نیروهای ایران و عراق، جانبدار رژیم جمهوری اسلامی و پیروزی های آن بودند و از ادامه جنگ حداکثر بهره برداری اقتصادی و سیاسی در منطقه می نمودند (به ویژه این جنگ از یک بصر زمین گسترش مداخلات سیاسی - نظامی امپریالیسم در منطقه را فراهم نمود و از سوی دیگر به دولت مهبونیستی اسرائیل امکان داد تا با مداخلات مسلح - نظامی خود در لبنان، حبش، فلسطین را سرکوب کند) اکنون هیچک خواهان برهم خوردن موازنه سیاسی - نظامی کنونی و دست یابی رژیم جمهوری اسلامی به پیروزیهای نظامی تازه ای نیستند. سایر دولت - های منطقه هم به دلیل علل تهدیداتی که اهداف سیاست خارجی رژیم متوجه منافع آنهاست، در مقابل آن مضافی کرده اند. دول سوسیالیستی نیز که از ابتدا موافق این جنگ نبودند بر از پی بردن به ماهیت ارتجاعی رژیم و پاران اسلامیم ارتجاعی آن، مخالف پیروزیهای جدید رژیم جمهوری اسلامی در جنگ هستند. بر ستر چنین تحلیلی، پاسخ سئوال اصلی بدینگونه جمع بندی می شود: اکنون یک مجموعه عوامل مانع از تحقق این اهداف رژیم در جنگ است. و بر همین مبناست که امروزه کلید عوامل دست اندرکارند تا رژیم جمهوری اسلامی را وادار به متوقف کردن جنگ کنند. هر چند که رژیم بنا

در زمان چهره‌های نماینده خلق ایران
شاه که استبداد

شورای پیکت و ...

به اهداف توسعه طلبانه و
"خیراتی" که جنگ برای او به
ارمغان آورده است. تاسی به
این توقف جنگ نداشته باشند و
چون با که در آتیه، در مدتی
مجدد باشند. اما با توجه به این
امر که با وجود توازن سیاسی-
نظامی موجود عوامل نامساعد
خارجی قادر به پیروزیها نمی
سند. نوینی در جنگ نیست و عدم
پیروزی در جنگ خود به عاملی
مغلبه اهداف رژیم بدل خواهد
شد که رشد ناراضی در میان
شده و تشدید تضادهای درونی
هیئت حاکمه را به دنبال خواهد
داشت و نیز در نظر گرفتگی
فشارهای متعدد خارجی ناگزیر
است، حتماً بدون تغییراتی در
قدرت حاکمه عراق موفقت هم که
شده توقف جنگ را بپذیرد؟ سپس
نتایج حاصله از آنجا بماند

احتمالی بین دولت ایران و
عراق را بدین صورت ترسیم
میکنند: چنین توافق بر خلاف
نصرت کسانی که حرفا خواهان
برقراری صلح میان دولتین
ایران و عراق هستند داشته
وضعیت رژیم جمهوری اسلامی را
به مخاطره نخواهد افکند، بلکه
پالعکس خود به اهرمی برای
سرکوب هر چه بیشتر شده با بدل
خواهد شد. رژیم جمهوری
اسلامی تلاشی خواهد کرد که با
انگاز بدنیروی عظیم سرکوبش
شده های مردم - اسر ایران را
زیر فشار بیشتر قرار دهد.
در مورد کردستان اگر توافق

مشترکی برای سرکوب خلق کرد
صورت بگیرد که مطمئناً صورت
خواهد گرفت و رژیم جمهوری
اسلامی بخش عظیمی از نیروی
سرکوب نظامی را به سرکوب
جنبش خلق کرد اختصاص خواهد
داد.

ایستادگانه
و همین نکته است که نامی ترین
اختلافات بین این دو سازمان در

زمینه ترسیم پشاندازهای آبی
جنگ و تعیین سیاست ها و شعارها
را در خود نهفته دارد.
از یک سو خلی که بر اساس
تجزیه و تحلیل مشخص تاریخی
بدست آمده است: و با بررسی
مجموعه مشخصات اوضاع و احوال
سیاسی به نتایج زبانبار توافق
بین دولت ایران و عراق اشاره
دارد. و بر این مبنا فرستار
شکست دولت خودی در جنگ
ارنجایی می شود. و با کتبه به
طرح شعار تبدیل جنگ ارتجاعی
به جنگ داخلی می پردازد. در
همان شماره رنگای گسار در
بررسی شورش اخیر مردم بانه
غلبه جنگ و رژیم جمهوری
اسلامی، از تک جنبشهای انقلاب
و گسترش فتنه شده ها نسبت به
جنگ نوید می دهد و از بیداری
شده ها داد سخن می زند. بر این
مبنی است که نسبتاً با تبدیل خلی
که از طرف سران سازمان به وضع
سران سازمان، به جنگی که از
طرف برولستان و روسگهان به
شعب نظامی شده های استعمار
شده، می توان سرشتی رژیم

جمهوری اسلامی را سریع جتند
و نسبتاً در این صورت است که
می توان مانع از تاخیرات مخرب
توافق بین دولتین درگیر جنگ
شده و نسبتاً از این طریق است که
می توان وضعیت رژیم جمهوری
اسلامی را به مخاطره انداخته و
وی را از امکان سرکوب هر چه
بیشتر شده های جنبش خلق کرد
محروم شونده.

جنگ شونده را ارتکان داده
و با مصالح و نتایج پس در شانگی
آنان را بیدار کرده است.
فرونی غربانیان جنگ و وارگی
و فشارهای متعدد مادی و معنوی
ضرورت سرگرداندن سلاح را به
روی حکومت و بورژوازی خودی
بولحظه بیشتر برای آسنا
ملمومی تر می کند. تبدیل جنگ
ارتجاعی به جنگ داخلی بگمانند
شمار صحیح انقلابی است که
تجارب جنبش ساند جنگ آنسرا!
به شوق رساننده است. و این
شعار امروزه از مجموعه شرایط
حاکم سرچشم بین دو دولت
ارتجاعی ناشی میشود. هر چند
که یک جنبش شدنی در این با
آن لحظه حاضر تصور به نظر آید.
اما انقلابیون سرکوب از کنار
مدارم و پیگیر در میان شونده ها و

سازمانی آنها که نیازمند
اراده های آتین و استوار است
سرباز می زنند. توده ها
مطمئناً پس از پشت سر نهادن آن
همه تجارب گرانها به این
حقیقت سانه پی می برند که رژیم
دومینش جمهوری اسلامی را توافق
رئیسجانی - طارق عزیز ساقط
نمی کند.

از - دیگر خط و شی است
که سازمان ساجدین از آن
پیروی می کند. آنها باور به
نورده های بیلبونی و نقشش
تاریخ ساز آنان با آب بندی
شردن سیاست جنگ طلبی فوبینی
در رویاهای خود تحقق صلح را
در شرایط فعلی موجد یا راه نندن
شمار افتخای سقوط فوبینی
می دانند. بر این مبنا سها ساند
هریک از فازهای تبلیغاتی
خود، شعار صلح را به عنوان تنها
راه حل ممکن، در میانه های
لاضمن سرمایه داری جهانی به
در و دیوار نصب می کنند. مافدا
از آنک تمامی این تقلاها
بطور مستقیم در خدمت سنا کرده -
کنندگان اصلی صلح یعنی

دولت های ارتجاعی ایران و
عراق قرار می گیرد. روشن است
که این بار آقای رجوی را در
اطاقهای مذاکره جانی نیست،
ساجدین هنوز از این واقعیت
ساده درس نگرفته اند که دیگر
سویزان در "وبلی او سورواز"
فرانسه در غیاب شونده ها از طریق
یک سری بند و بستها و روابط
خاص با امپریالیسم جهانی به
حل و فصل مسائل جنبش پرداخت
شده ها، یعنی آشنایی گسار
بیلبونیا هستند بدراحتی گول

شی خورند. گذشت زمان نشان
داده است که درباره آنچه که
رخ می دهد با حساسیت تمام
به تحقیق می نشیند. سیاست ها و
شعارهای سازمانهای مختلف را
اگر از میان آنها جرحه ها
نگردد به سرعت به زانگسدها
تاریخ می چارند اما حال است
که "سویسنگان" اطلاعات سندان
آنکه سوخته ندهاند مغری و
کبری چند آنها نتوانند است
خریداری برای "شعار استراتژیک
صلح" بیاید برای کس حیثیت
هم که شده به لبیبی تحمل می دهند
و می نویسند: "هوشا به حال لبیبی"
خرده بورژوازی کوتله ایستی

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دیکر از یک حالتی ایران است

دربابیت و پیمان ...

یک زمان دوز از چشم روشنفکران اقلیتی توانسته شعار مسلط از توهم طرح "را اللهم به عنوان رهبر پرولتاریا مطرح نموده و به پیشی ببرد." (تاکیدات از ماست) اینکه "نویسندگان" مجاهد چگونه به این درک رسیده اند، نباید مضحکهای بیش باشد، انسان را بیشتر به یاد بزرگان می اندازند که وقت و سرفوت برای تهیه کردن مضمون تاکتیک سازش لنین آنرا در پلمیک های سیاسی خود بکار می گرفت. اما بیچاره نویسندگان مجاهد به دلیل عدم اطلاع و سطح نازل آگاهی حتی در این امر نیز موفق نبوده اند. گوش کنید:

لنین در مقاله "وظیفه عمده این ایام"، شرایط و اوضاع و احوال سیاسی ناخوش بر پیشبرد طرح تیلزینک (اصطلاحی که وی به آن می داد) با امپریالیسم آلمان را چنین توصیف می کند:

"ما در ظرف چند روز یکی از قدیمی ترین، و عشایه ترین و ددمنشانه ترین رژیم های سلطنتی را منهدم ساختیم. ما ظرف چند ماه مواظبی را در رشته

سازندگاری با بورژوازی وریشه کن ساختن توهمات خورده - بورژوازی طی کردیم که مایر کشورها برای طی آن دهها سال هرب کرده بودند. ما در ظرف چند هفته بورژوازی را سرنگون ساختیم و بر مفاومت آشکار وی در جنگ داخلی غالب آمدیم.

ما با مارش پیروز مندان و ظفر نمون بلخویم سراسر یک کشور پناه ور را طی کردیم. ما پانزدهمین تریبون ترهاقی از توده های زحمتکش را که دستخوش منعم تزاریم و بورژوازی بودند، برای احراز آزادی و زندگی مستقل به پا داشتیم. جمهوری شوروی را که ثمنه جدید دولت و بطور غیر قابل سیاسی غالبیت و دمکراتیک تر از بهترین جمهوری های

پارلمانی بورژوازی است، معمول داشتیم و آنرا پایدار ساختیم. مادیکتاتوری پرولتاریا را که مورد پشتیبانی دهقانان تهیدست است مستقر

ساختیم و سیستم اصلاحات سوسیالیستی بر دامنه های را آغاز نهادیم. ما ایمان به قوای خویشتن را در قلوب میلیونها و میلیونها کارگر آتش شور و شوق را در درون آنان برافروختیم... ولی درنده امپریالیست با حمله خود بسد بی سلاحان، در ظرف چند روز ما را به خاک انداخت، او ما را وادار نمود قرارداد صلح بی نهایت شاق و خفت باری را امضاء کنیم، و این به مثابه باجی بود در مقابل جسارتی که ما به خرج دادیم تا حتی برای کوتاهترین مدت هم شده، از منگنه آهنین جنگ امپریالیستی بیرون جهیم (تاکید از ماست) حال باید از مجاهدین

پرسید، در ایران ظهور؟ آیا در ابتدای امر تمامی سلاحهای پروری رژیم خودی برگشته است؟ آیا رژیم جمهوری اسلامی در یک جنگ داخلی تمام عیار از پهای درآمده است؟ آیا درنده بورژوازی عراق به ارگانهای انتداری توده ای سازمانهای حقیقی کارگران و زحمتکشان بیورش آورده است؟ آیا میهن سوسیالیستی در خطر است؟ آیا منگنه جنگ تسکارانه چنان است که دولت پرولتری را به یک دوره تنفس برای جش مجسدد واداشته است؟

ملاحظه می کنید؟ "نویسندگان" اطلاعیه تا چه حد ره را عوضی یافته اند! گوش در حالت خواب شعار "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی" را تحقق یافته پیدا شده - آند و اکنون آقای رجوی بجای خمینی به عنوان "رهبر پرولتاریا" (بخوان "مستغفان") به یاری "پشتازان مجاهد" در مسند قدرت قرار گرفته اند، و زمان برای طرح مهباسات در حقیقت با چنین تحریفات و سفط - جوئیها نیست که آنها مطالب اصلی را پرده پوشی و خلط می کنند. آنچه که ضعف خاص آنان، از حرکت باز شان می دارد، به همان "زیسمان" قدیمی پناه می برند، اکنون مجاهدین از آن ملحسی دفاع می کنند که مذاکره کنندگان

اصلی را این بار نه آقای رجوی - طارق عزیز، بلکه رفسنجانی - طارق عزیز و ما به عسارت دقیقتر دولت های ارتجاعی ایران و عراق تشکیل می دهند. و این مذاکره نه تنها صلح دمکراتیک منجر می گردد و نه به سقوط شتابان رژیم می انجامد و بدون سرنگونی رژیم هرگز صلحی دمکراتیک برپا نمی شود و رهبران مجاهدین این نمی بینند و یا نمی خواهند ببینند. جریان کار روشن است مجاهدس که پهای خود را بر سر سیر دلخواه اوضاع ریخته بودند، در گور راه یابی و ناامیدی و در اولین لحظات تلاشی "شورای ملی مقاومت" و نکتت سیاسی سیاست های خود بدر کجسه ای عجیب دچار گشته اند. پیام های خدایان زور و زبور و میمانی های بندگی و بردگی، تاثیر بی هوشی آور خود را بجای می نهند. ایدئولوژی امپریالیستی از ورای حمایت های "عدال - خواهانه" گری هارت ها، کندی ها و... در حال اثر بخشی است. عدم جارت در تصمیم خط و منی خود ناباوری به توده ها و خرافات به ارث رسیده از بورژوازی لیبرال و در یک کلام بی مغزی آشکار مجدویت امپریالیسم را در نزد رهبران مجاهد تشدید کرده است. آنها این بارتنها راه "موفقیت" خود را به عنوان آخرین تانس در جلب حمایت امپریالیسم جهانی یافته اند و اکنون بی سرعتی دو جندان به گرداب جذب می شوند.

اما این تازه آغاز کار است. ابتدا باید خلوص نیست مجاهدین ثابت کرده. تریخیج آنها به دستجات سلطنت طلب و حتی خود خمینی به سادگی ممکن نیست. در این راه جلب اعتماد، سلاطین سرمایه اولین و مهمترین گام اساسی است. اما سرمایه از مجاهد چه می خواهد؟

الف: با وعده و وعیدهای توخالی سیر انقلاب را با احتیاط هر چه بیشتر و هر چه نامشهودتر ترمز نماید، آنرا از مضمون تنهی سازه به طوریکه توده ها تنها با اصلاحاتی تحویض در مالارای بپذیرند (رجوی به جای خمینی) ب: با استفاده از انواع برجسب هائی نظیر "خوابکار" "جاسوس"، "عمال بیگانه" در صفحه ۹

جلوهای از عجز و زبونی رژیم

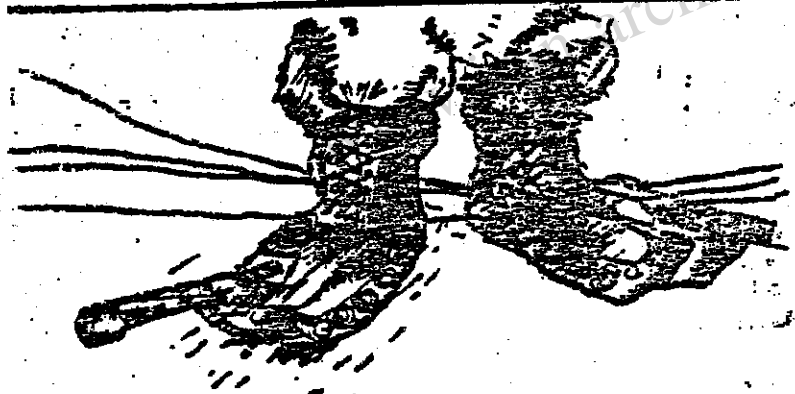
کشتار قارنا

از صفحه ۱۸

هیچ سرکوب و کشتاری قادر به درهم شکستن اراده و مبارزات توده ها نمیباشد. آن چیزی که تاکنون دوام و پایداری جنبشی را به اثبات رسانیده و نویسد پیروزی و شکست قریب الوقوع و چیزی مرتجعین را میزداید. هنگام حضور فعال و بالفعل و باطنی توده ها در صحن مبارزه و مسائل عملی آن است. همان نیرو و انرژی بیگانه کننده دوام بخش حرکت و پیشروی پهنای بعدی است. همان منبع غنچه ای که رژیم جمهوری اسلامی را بودی آن را هدف بزرگ و همیشگی خود

صاحی از بزافتادن تاسیس است. ستیزگانه رژیم شاه خائن در آسمان یاز و روشن آزاد کردستان خود به رقت و لقی امور زندگی شان همت گماشته بودند و برای معاضدت از هر گونه بطش ستیزگانه به سلاح تکیه نموده بودند را. درهم شکند. آنها را مرعوب ساخته و به زانو در آورید. کشتار قارنا جنایت هول انگیزی که خیر آن توده های سراسر ایران و جهان را تکان داد، یکی از اولین پرده های جنایتی بود که رژیم برای رسیدن به اهدافش در

۵ سال از کشتار دسته جمعی اهالی روستای قارنا در اشتهر پور ۹۹ گذشت. طی هجوم وحشیانه مزدوران رژیم به قارنا ۸۰۰ تن از مردم زحمتکش و بی دفاع این روستا، از زن و مرد و پیر و جوان بطرز فجیعی به شهادت رسیدند. مزدوران با یورش مغول وار خود به خانه و کاشانه زحمتکشان و غارت و به آتش کشیدن آنها از قارنا ویرانه ای بیش برجای نگذاشتند و با اذیت و آزار زنان و دختران روستا بر عمق جنایت و وحشیگری خویش افزودند. بعد از ضربات خردکننده ای که مزدوران رژیم در طی یورش های خود به شهرها و روستا های کردستان متحمل گشته بودند برای غلظت و این مقام جوشی از توده های مسلح خلق کرد که با خلق وینی حماسه آفرین، مزدوران سرکوبگر رژیم را به شکست و عقب نشینی واداشته بودند، دست به قتل عامی در "قارنا" زدند که تنها می توان آن را با جنایت فاشیستهای آلمانی، کشتار مردم ویتنام توسط آمریکا و قتل عام فلسطینیان در دیر یاسین توسط صهیونیست های اسرائیلی مقایسه نمود. رژیم جمهوری اسلامی بعد از شکست فزاینده بارش در یورشهای اول کردستان به درستی فهمید تا حمایت توده های مسلح و ترقه و حضور فعال آنها در مقاومت کردستان وجود دارد، به سادگی به اهداف بلند خود دست نخواهد یافت. و بدون از میان برداشتن موانع موجود، خلق سلاح توده ها و درهم شکستن اراده آنها بر جنبش انقلابی خلق کرد تفوق نخواهد یافت و کردستان به مراتب در دستگیر نا پذیر به یکی از پایگاههای مهم جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقها تبدیل خواهد شد.



تلقی می کند. اینک رژیم که تا توان در سرکوبی جنبش انقلابی خلق کرد با تراکندن مزدوران خود در اقصی نقاط کردستان تا چاره به تحمل ضربات متوالی پیشمرگان انقلابی می باشد، آخرین تجربه های خود را به کار بسته است و مزورانه سیاست تخریب و انهدام روستاها را در پیستش گرفته است. اگر رژیم در گامهای اولیه برای به شکست گذاشتن جنبش خلق کرد، بر اثر فشار جنبش سراسری خلقهای ایران و مقاومت و مبارزه گسترده توده های شهرها و روستا های کردستان، با عقب و بنا نداشتن شدید روپرو بود و امکان بروز عمق حری و ولسنج چنانچه رانداش را نمی یافت.

کردستان آن را اجرا نمود بعد از "قارنا"، "ایندر قاش" و قتل و کشتار ۵۴ نفر از اهالی این روستا و... دهها و صدها فجایع دیگر سراسر کارنامه سیاه و زنگین جمهوری اسلامی را در کردستان به دست می دهد، اما نه قهلاهان، نه قارنا و ایندر قاش و... نه ویران ساختن روستاها و توب و خمباره باران مردم بی دفاع که امروز به کار اصلی مزدوران رژیم تبدیل شده، هیچ کدام نتوانسته در غم و آوارده ظل نا پذیر خلق کرد خنده ای وارد سازد. تاریخ مگر بر خیال - پردازی خام اندیشانی نظیر رژیم جمهوری اسلامی مهر - بطلان کوبیده است. کردستان خود شاهد و گواه است و توده های زحمتکش خلق کرد در عمل به اثبات رسانیده اند که

در حملات وسیعی که به منظور تخریب شهرها و مناطق تحت نفوذ پیشمرگان صورت گرفت، رژیم تصور می نمود با سرکوب و کشتار خواهد توانست اراده توده های زحمتکش که تنها بعد از چند



آثار صدرا تا اعمال قدر سوخ
دادوز زندگی و راه صدرا
بعنوان یک دانشمندان نموده
و خلاق به سرمشق ابدی بخش
عظیمی از جامعه ایران (اکثر
نسلهای جوان) میدان ساخت
صدور حقیقت اگر چه چشم جهان
جهانی که او هر لحظه برای شناخت
جهت تغییر آن تلاش میروزید
فروبت، اما در ذهن بیدار و
پویگر میلیونها نفوس هر
روز بیشتر از روز پیش زنده
گشته و به حیات جاودانه دست
یافت.

صدور زندگی کوتاه و نابریار
خود چکیده عیان علیه وضعیت
حاکم پر روزگار خویش و
برهنگ مسلط در تمام این سالها
آن بود و نیروی محرکه قدرتمند
چنین معیاشی با شما می سازیت
و خلاقیت خود در وجود او متبلور بود
او با اراده ای استوار و عزمی
راسخ و تلاش بی حد و حصر بدنیا
آنچه می طلبید و ضرورت آن را
احاس می نمود، راه بردن آن
تحقق اهداف خویش را جستجو
نموده با شناخت و درویشی ای
وجود بر آنها انگشت گذاشت
و پیچیده ترین مسائل را به ساده
ترین زبان بیان نمود و حاصل
مفکلات اساسی را از ساده ترین
راهها آغاز نمود و تمام
دریافت های شگرف خود در زمینه
ضرورت دگرگونی در وضعیت حاضر
را در قالب نغمه های کوتاه
و قابل فهم برای کسانی که
نیروی اصلی و موضوع واقعی
تلاش های او بودند، عرضه نمود.
او کار خود را چه در عمل و چه
در چشماندازهای بسیار فراتر
از تجربه عملی خود در مقیاس فراتر
از تصور عمل فردی، به روشنی
استوار ساخت، بر بخشی از این
بنیان گذارده افق های روشن
فردا در گرو تلاش خستگی ناپذیر
آن بود.

صد تلاش خود را از محدود
عمل خارج خود آغاز کرد و شناخت
خود از روندهای عمومی حرکت
آتی را در جریان مستقیم شناخت
عینیت و تجربه عملی هر چه بیشتر
ارتقل بخشید، او بعنوان بسک

معلم آگاه و متفکر نقطه عزیمت
خود را شناخت حیات عینی و ذهنی
توده های قرار داد که در میان
آنها میزیست، و بر همین اساس نیز
راه نفوذ هر چه بیشتر در میان آنها
و اشجار رخسار فرورده آنها را
در سخن گفتن به زبان آنها و
از آرم و اهداف آنها، یافت
و به همین دلیل نیز در رنج
و نادی آنها، در فقر و بیخوشی
و صرت و آرزوی آنها نیز همسراه
با آنها اما با ایمانی خدش
ناپذیر به امکان قطعی درهم
شکستن وضعیت حاکم پر زندگی
آنها، به پیش شناخت و بر هر کجا
که پا نهاد، آثار حضور قدرتمند
و خلاق خود را برجای گذارد، وسعت
در یافت های او تا شبر آنها در
چنان ابعادی بود که علیه رفتیم
آنکه پای عدتتها به معدودی از
روستاهای آذربایجان رسیدن
مشاهدات و حضور عملی او تنها در
محدوده معینی محصور مانده،
با زتاب کار صدرا هنگام بسیار
شگرف و گسترده یافت و در پای
صدرا در سرتا سر ایران در هر
آنجا که نوشته ای از او را یافتند،
بر جای گذارد.

صد درستی بر آنچه که
می باید بر روی راندهای وضعیت
موجود ساخت آگاهی داشت و تلاش
او صرفاً در جارجوب چگونگی
راهیابی برای تغییر و تحول
قابل بررسی است، صد کار خود
را از شناخت مناسباتی که
گریگی و فقر از مناسبات وجودی
آن هستند و از روش تربیت
فرهنگ آموزشی که جنبش
مناسباتی را تقدیس و در بهترین
حالت قابل تحمل فرض می نماید
آغاز کرد و راه مقابله با آن
را جستجو ننموده در تفکر و تلاش
روزمره کسانی که از هر
احاطه گشته اند دقیق شد، گذران
زندگی آنها، دردها و رنج های آنها
را با زکافت و خوشبختی رهائی
از وضعیت موجود رانده در رویاها
که در بنیادی ترین شکل خود
در تلاش آتی خود آنها برای بنیاد
آن، تصویر نمود، مضمون فلسفی
شما می نوشته های او را حرکت بر
چنین بستری تشکیل میدهد
بویژه آخرین اشرا و "ماهی سیاه
کوچولو" خود گویای تاسی ترین
در یافت صدرا این زمینه است.

اگر در مجموعه نغمه های صد
بویژه آخرین اشرا و بدقت کنیم
بدون تردید چهره پویا و خلاق
صدرا در لابلای نظور آنها بعنوان
تجلی عنصر آگاهی- آگاهی

رزمنده و در تلاش و با هدف - در
میان نیز مسائل
پیرامون قهرمانان : آگاهی
چهره روشنی از اقصای زندگی
عادی مردم هستند بهینه مشاهده
خواهیم کرد. او با تمامی وجود
خود، عشق و کینه راه رکنار هم
و با دلائل روشن و منطقی اجتماعی
به کودکان می آموزد و سیر آن
زندگی آنها را از زمان تا قاربا
اشراف به این واقعیت گشته
در زندگی اجتماعی که بیسان
آن برنا بر ابری و ظلم و تمسک
استوار است، کودکان با بسک
بیا موزند که بر چه کسانی کینه
بوزند - بر چه کسانی عشق و با
چه امیدهایی پرورش داده شده
و چگونه در مقابل شما می آنچه
که وضعیت ناسامان خاکم
را توجیه و تغییر ناپذیر عرضه
می کند، ایستادگی نموده و آنرا
طرد نماید. بدینگونه است که
حتی امروز نیز اگر در مفسوف
مبارزه کنونی بدنیا آساری
که بیشترین تاثیر را در بیداری
شور مبارزاتی فعالین جنبش
داشته، بشردیم، بدون تردید
نام صدرا را در صدر هم
خواهیم یافت و با ناملتنه ای
عظیم عیان او و دیگران
رو به رو خواهیم بود.

آری، اگر چه صدرا ۱۹ شهریور
ماه ۱۳۵۷ شماریان فروست، اما
میراثی که از خود بر جای نهاده
و معمولاً بی خستگی ناپذیر،
هدفتنه، خلق او بود، چنان
تاشیری را در حرکت آتی جامعه ما
باقی گذارده که نام ویاد صد
را جاودانه ساخت.

در مالگرد شهادت صد
و خاموشی دردناک این
آتش فشان خشم زحمتگان گنه
آرام در کار خود بود و چه خوب
میدانست که چه میکند و چه
بکشیم بر میراث او وفادار بوده
از او بیاموزیم و بر آموزشهای
او بیعزائم. از صد بیاموزیم
که چگونه در هر کجا که هستیم،
تحرك و پویایی شوی به روشنی
را زنده نگاه داشته به نیروی
عادی تغییرات بنیادی بسک
سازیم.



پنجمین سال جنگ

از صفحه ۶

کام به کام را در میان آنها ترویج و تبلیغ نمود. آیا باید حتی در تمایل آنها به پیمان دادن به یکی از دهشتناک ترین جنگها، نیز اهداف این مرحله از مبارزات پرتحرک و قهرمانانه آنها یعنی سرنگونی رژیم حاسی و هدایت کننده این جنگ به مراتب شناک تر از خود جنگ را خواستار شد که خود جنگ ارتجاعی کنونی محمول وجودی آن و در جهت منافع و مصالح حیاتی آن برپا گردیده است.

بزرگ گردیده است، یا آنها را نخست برای قطع جنگ و سپس برای سرنگونی رژیم دعوت نمود. کسانی که در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان در انقلاب حاضر به بررسی مبارزه چکشی بوده ها و اتخاذ سیاست و تعیین سازهای مرحله ای و غیره می پردازند، نمی باید صریحا و با تمیعی قوا با تبلیغ شعار صلح دمکراتیک از طریق تبدیل جنگ کنونی به جنگ داخلی علیه بورژوازی خودی، و با روحیه مبارزه آشکار و مستقیم متناسب

با دوران انقلابی حاضر توده ها را سازماندهی نمایند.

اشتیاق توده ها به صلح را نباید در حد همان درک ابتدائی آنها، بلکه باید یک گام بیشتر و در جهت منافع آشی آنها سازماندهی کرد. باید نقش پیشرو توده ها و نه مفسر تمایلات خود به خودی آنها را بر عهده گرفت و به ضرورت لحظه، خطیر کنونی حرکت انقلابی توده ها، پاسخ روشن و مشخص داد، چرا که انقلاب مدام در کار خویش است و هیچ چیزی حتی مهیب تر از جنگ کنونی را باارای مد کردن آن نخواهد بود.

علامه این که در شرایط پیشرفت بلا نقطه انقطاع جنبشی انقلابی، جاننداری از شعار صلح بدون محتوای مشخص طبقاتی، چیزی جز خدمت به منافس بورژوازی خودی نخواهد بود. اگر چه حتی چنین شعاری متناسب با تمایل وسیع ترین بخش توده ها هم باشد.

تمایل توده ها به طرفداری از صلح، اغلب بیانگر آغاز اعتراض، خشم و درک ماهیت ارتجاعی جنگ می باشد. ایمن و وظیفه کلیه سوسیال دمکراتها است که از این تمایل استفاده کنند. آنها در هر جنبش و هر تظاهرات که نتیجه جنبش احساساتی است، با حرارت تین نقش راه عهده خواهند داشت، ولی هیچگاه خلق را با قبول این عقیده که یک صلح بدون

الحاق، بدون ستم به طبقات بدون غارتگری و بدون در برداشتن نطفه جنگهای خریداری حکومتهای کنونی و طبقات حاکمه با فقدان یک جنبش انقلابی، امکان پذیر است، فریب

نمی دهند. چنین فریب توده ها، مرقا به معنای بازپس دبلیلمانی سری حکومتهای متکلم قرار گرفتن، تسهیل کردن نقشه های خدا نیلایی آنهاست.

هر کس که یک صلح با پیمان و دمکراتیک می خواهد، باید از جنگ داخلی علیه حکومتها و بورژوازی حمایت کند.

(لنین، سوسیالیسم و جنگ)
تاکید از صفت

به مناسبت

۲۱ شهریور، دومین سالگرد

از صفحه ۶

اعتقاد عمیق رفیق سکو به کمونیسم و رهائی کارگران و زحمتکشان از بندگی و فشار او را چون کلیه مدافعان آرمان رهائی، دمکراسی و سوسیالیسم سخت گوش و پیگیر ساخته بود. سکو در اثر قابلیتهاشی که در جریان عملی مبارزه از خود نمایان ساخته بود به سطوح فرماندهی دسته ای از پیشمرگان فدائی ارتقا یافته و در پیشانی عملیات سلاطین می پیشمرگان فدائی به درستی و مسئولانه وظایف خطیر خویش را با جدیت هر چه تمامتر به انجام می رسانید، تا سرانجام بعد از ۵ سال مبارزه در ۱۱ شهریور در حالی که خود فرماندهی عملیات شهری بوکان را بر عهده داشت، قلب گرامش آمیز گلوله جاشهای مزدور قرار گرفت و از تپش باز ایستاد.

بادش گرامسی
و راهش پردهرو باد!

بیانیه مشترک

از صفحه ۳

تمامی جهانیان بر مانند و بدین وسیله حاکمان چنین رژیم ددمشی را در سطح حیاتی رسوا نمایند و مانع از آن گردند که رژیم بتواند چتر سنی سیاستی را عملی نموده، بخش وسیعی از مردم زحمتکش کردستان را آواره و بی خانمان نماید.

حزب دمکرات
کردستان ایران
۶۳/۶/۲۱

سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران
۶۳/۶/۲۱

رفیق بهزاد شهادتی

از صفحه ۱

رفیق بهزاد شهبلائی فرزند
غیور خلق کرد پیشمرگ جسور
ومتین فدائی در شانگه ۲۶ شهریور
ماه طی یک توطئه دردناک به
شهادت رسید و تمامی همزمان
خود را در سوگ رفیق ز دست رفتای
فرو برد که در دوران کوتاه زندگی
خود به بسیاری از صنایع برجسته
یک پیشمرگه دلبر و بی بسا ک
زبانزد همگان بود.

رفیق بهزاد که در سال ۱۳۲۱ در
یک خانواده متوسط فرهنگی
متولد شده و در تمام دوران
تحصیلی خود بعنوان یک دانش
آموز با هوش و فعال معروف بود،
در دوران رشد و اعتلای جنبش
توده‌ای در سال ۵۷ به جریان
مبارزه پیوست و به یکی از
فعالین مهم جنبش دانش
آموزی در زادگاه خود شهر سقز
مبدل گردید، و با سرنگونی رژیم
پهلوی و در بازگشایی ستادهای
سازمان در شهرهای سراسر ایران
جروا اولین کسانی بود که تحت
مسئولیت رفقا بوقت گشتی زاده
و معقوب تقدیری ستاد سازمان
در شهر سقز را بنیان گذاردند
و جزوا اولین گروه را از رفقای بود
که در شهر سقز دوره آموزش نظامی
دیدند و مسلح شدند.

رفیق بهزاد، در دوران جنگ
سه ماهه نخستین آموزش سراسری
رژیم به کردستان انقلابی
در سال ۵۸ قهرمانانه در جنگ
شرکت جست و کمک های شایسته
توجهی را در پشت جبهه
سازماندهی نمود. و بعد از تصرف
شهرها توسط رژیم جمعیوی
اسلامی، به مسئولیت تدارکاتی
انتخاب گردید و تهیه امکانات
و انتقال آن به رفقای پیشمرگ
را بعهده گرفت که در طول این
دوره علاوه بر مجموعه فعالیتهای
خود بیش از ده مورد خودروهای
دشمن را مصادره کرد و به
پیشمرگان سازمان تحویل داد.

رفیق بهزاد بعد از شکست
رژیم در جنگ سه ماهه و تسخیر
شهرها توسط پیشمرگان خلق
کرد، در کمیته دهفانی شهرستان
سقز به فعالیت خود ادامه داده و به

عنوان یک انقلابی حرفه‌ای تمامی
وقت خود را وقف فعالیت های
تشکیلاتی نمود و برای همیشه
با وجود سن کم خود دست از تحصیل
و مدرسه برداشته به صفوف
رزمندگان خستگی ناپذیر تمام
وقت سازمان پیوست.

رفیق بهزاد بعد از حمله مجدد
رژیم به کردستان علاوه بر آن که
بعنوان یک پیشمرگه جسور به
جنگ با رژیم برخاست در عین حال
مسئولیت تأمین تدارکاتی
نظامی و غیرنظامی پیشمرگان
درگیر در جنگ را نیز بر عهده
گرفت و بسیاری اوقات بسیاری
رساندن تدارکات لازم و گذشتن
از صفوف دشمن مجبور بود به صفوف
مزدوران رژیم را شگافتند و
از میان آتش آنها بگذرد تا
ما بهتاج نظامی و غذائاتی
پیشمرگانی را که از آرمغان
انقلابی خلق کرده دفاع می‌کردند
به آنها برساند.

بهزاد بعد از تصرف دوباره
شهرها توسط رژیم، بعنوان یک
پیشمرگه جوروارد صفوف
پیشمرگان فدائی گشت و زندگی
مبارزاتی نوینی را که تنها
لحظه شهادت ادامه داشته آغاز
کرد. او در این دوره از فعالیت
مبارزاتی خود کارآیی بسیار
توانائیهای بسیار بالایی
از خود نشان داد و در مدت بسیار
کمی بعنوان یک چهره شناخته
شده در میان پیشمرگان فدائی
درآمد. او طی این دوره در بسیاری
از عملیات های سازمان شرکت
جست و در اکثر آنها در صفوف مقدم
حمله قرار داشت او در جنگهای
دارس وین بانه، جونیان سقز،
دارلک مها بادی، جنگ با غلوجه،
بنده کندی بوکان که به نابودی
گروه ضربت رژیم انجام میدو
نیز در عملیات های داخل شهرهای
سقز، بوکان و مها بادی... شرکت
فعال نمود و یاد قهرمانیهای
او در تمامی این جنگ هرگز
فراموش نگشته و همچون خاطره
تابناکی در ذهن تمامی

پیشمرگان فدائی خواهد درخشید.
رفیق بهزاد در دوران نشاط
خانانانه اکثریتیهای رفرمیست
یک لحظه تردید به خود راه نداد
و خط و مشی انقلابی سازمان
را انتخاب نموده و به دفاع طعانه
از آن برخاست و جزوا اولین کسانی
بود که به همراه رفیق اسکندر،
ستاد سازمان در بوکان را پایه
گذاری نمودند و با شرکت خود در

جنگهایی که در بالا از آنها نام
بردیم سازمان را در جنبش خلق
گردزنده نگاه داشتند.

او بعنوان یکی از مدافعان
خط و مشی اصولی سازمان در میان
رفقای خود شهرت داشت و بیسای
این خصوصیت برجسته و فعالیت
های بی شائبه‌ای که از خود نشان
داده بود در سال ۶۱ به گانه پیدا
- ثوری عضویت سازمان درآمد
و به عضویت شورای فرماندهی
پیشمرگان و فرماندهی یک دسته
از پیشمرگان فدائی ارتقا یافت.

رفیق بهزاد با استواری تمام
در مقابل جریان لیبرالی حاکم
بر شاخه، در دوران مسئولیتش
با مع، که اینک به زائده بسی
مقدار مجاهدین خلق تبدیل
شده است، با استادگی نمود و با طمانه
به مبارزه با آن برخاست و از خط
و مشی اصولی سازمان بگارد بگر
با تمامی وجود خود مدافعه نمود.

رفیق بهزاد اگر چه بعد از
تحولات در شاخه کردستان سازمان،
تنها بدلائلی، مفوف سازمان را
برای مدتی ترک نمود و در این
مدت نیز بنا به اعتقاد عمیق
خود به مبارزه با خط مرفوع در
صفوف پیشمرگان حزب دمکرات
کردستان ایران به فعالیت خود
ادامه داد و با برخورد های خود
در میان آنها نیز محبوبیت بی
نظیری کسب نمود، اما با شروع
واحسان و ابستگی هر چه پیشتر
مجدداً به صفوف سازمان خود برگشت
بهزاد چه در دورانی که موقتاً دور از
سازمان بود و چه از همان موقعی که
دوباره با استحکام هر چه
بیشتری به صفوف سازمان برگشت
هیچ گاه به پرنسپ های انقلابی و
کمونیستی خود را از دست ندهاد.

رفیق بهزاد در شرایطی
شهادت رسید که هنوز مسیودان
گسترده‌ای از فعالیت و پیش روی
داشت و هنوز فرصت های زیبایی
برای رشد و تکوین استعدادهای
خود، در راه مبارزه برای رهائی
کارگران و زحمتکشان پیشا روی
خود داشت.

یادواره رفیق بهزاد فرزند
جسور و دلیر خلق کرد، مبارز راه
رهائی، دمکراسی و سوسیالیسم و
پیشمرگ قهرمان فدائی همیشه
زنده خواهد ماند و اسلحه او در
دستهای پرتوان مبارزان و
با غیور گیارهای خود، قلب سپاه
دشمنان کارگران و زحمتکشان
را که بهزاد در راه رهائی آنان
جان خود را باخت، خواهد
شگافت.

در ماه گذشته طی ده عملیات نظامی توسط پیشمرگان دلیسر کردستان در سریع ترین حملات به پایگاههای دشمن، یورش به مراکز و ارگانهای رژیم در شهرهای کردستان، تصرف متقابل در برابر تهاجمات رژیم به مناطق و روستاهای غیر اشغالی و عملیات کمین و کنترل جاده های محسوری نمرها بیش از ۱۶۲ تن از مزدوران رژیم (ارتش، سپاه، بسیج، جاشا) کشته و زخمی شده اند. در بین آنها دهها تن از فرماندهان ضد خلقی پایگاهها و جاشاهای مزدور که طی ۵ سال گذشته در کردستان از هیچ گوشه دست و وحشیگری دریغ نکرده تورزده اند بچشم میخورد.

دو نمامی یورشهای رژیم به مناطق و محسورات حله و روستاهای سردشت، روستاهای مهاباد، سرشاخان نقه شده روستاهای دیواندره، سنندج و بیجار عمده ترین ضرایب به آنان وارد آمده است. در برخی از محسورات رژیم علی بن محمد تلفات سنگین ناچار به عقب نشینی گشته و شکست و ناگامی خود را با به توپ بستن روستاها تلافی نموده است که در اشغال تعدادی از اهالی سیدنیساع روستاها شهادت رسیده اند. خسارات مالی فراوانی به زحمتگان روستاها وارد آمده است.

در بین سلسله حملاتی که گامهای دشمن مورت گرفته

خلق کرد پیشرو و اول است

* * *

نگاهی

به عملیات یک ماهه پیشمرگان از سنندج

است و ضرباتی که بر آنها وارد آمده، بخش وسیعی از امکانات تدارکات و تسلیحاتی مزدوران منهدم شده است. در عملیات تسخیر برق آسای پایگاه "قلندر" در روز ۶/۱۰/۶۳، ۲۸ تن از مزدوران با سارت پیشمرگان درآمده ۴۰ تن دیگر به لاکت رسیده و قتلیم و ادوات جنگی زیادی بدست پیشمرگان افتاد. در این رشته عملیات، تسخیر این پایگاه در منطقه بوکان بجز جنگی با رژیم ندارد.

حمله به مراکز رژیم در شهرهای، مهاباد، اردقان، ریش و ۱۴/۶/۶۳ نفوذ به درون شهر سنز، بوکان (در تارک) ریش (۶/۶/۶۳) و سردشت و عملیات در شهرهای سنز، پاوه، پتیرا، شهر اشوبه و ارومیه (در ۲۸ مرداد ماه) که در داخل این شهر چندین مرکز مهم رژیم و از جمله محل سکونت آفرندجنا پتکار و مرتجع "ملاسنی" معروف بزرگ آتش گرفته شد و مدمات مالی و جانی فراوانی به مزدوران وارد آمد، بخش دیگری از ضرایب پیشمرگان را به نامایش

گذارده است. عملیات میں گدا رو در مسیر تردد مزدوران و مسیر رفت و آمدن پایگاهها، انهدام بسیاری از خودروهای مزدوران و کشتن سرنشینان آنها امنیت را حتی در جاده های تحت کنترل رژیم برهم زده و پایگاهها را به حصار خوفناکی برای آنان مبدل ساخته است.

عملیات قهرمانانه پیشمرگان نشانگر این واقعیت است که مزدوران رژیم لحظه ای از زیر آتش ضربات فرزندان دلیر خلق کرد در امان نیستند. این حرکات تعرفی و وسیع در کردستان مهربطالشی بردتاری مدافعان و بیوج رژیم میکوبد و انضکاس اخبار آن در بین توده های سراسر ایران و جهان برده از تبلیغات ریاکارانه آن بر میدارد. جدول زیر بیان عملیات یک ماهه پیشمرگان را نشان میدهد.

به آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کوبه که برگرفته شده است.

۲۷ مرداد ماه تا ۲۷ شهریور ماه



غنائم بدست آمده

۱۲۵	جنگ افزار انفرادی
۷۳۶	انواع نارنجک
۵	سیسم
۳۴۰۴	انواع فشنگ
۵۲	گلوله آر پی بی
۹	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۶۷	گلوله مسموم کننده و نیمه سنگین
۷۱۳	بیوستن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۱۱۶۲	کشته و زخمی
۲۸	اسرای دشمن
۸۸	خودرو منهدم یا معادله شده
۱	ملاحهای منهدم شده
سهامت منهدم شده یک تیپار ۳۶ صندوق	
۶۱	شهادت پیشمرگه
۳۲	اهالی بی دفاع

عملیات پیشمرگه

۵۵	اکمین و کنترل جاده
۴۵	مین گذاری
۵۲	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۶	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۱۲	مصادره و انهدام تاسیسات
۵۶	حمله به پایگاهها
۳۳۷	جمع

سردار که و توپنی بزوبنده و هی شور شگیراندهی گدلی کورد

برخی ملاحظات

درباب يك "رسمان" قدیمی

و
طنوهای تلخ مجاهدین

به نقل از شماره ۲۴ نشریه دانشجویان هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور

نشریه مجاهد در شماره ۳۶ مورخ ۱ شهریور ۱۳۶۳ اطلاعاتی را تحت عنوان "در رابطه با دعای خدا انقلابی جریان اقلیت است" در زمینه تشبیه رژیم پومیسده خصمی و مواضع اپورتونیستی این گروه در قبال شخصیت استراتژیک "ملح" یا "امضاء" اتحادیه انجمنهای دانشجویان سلمان خارج از کشور" به چاپ رسانده است. اینکه سازمانهای سیاسی مختلف بر سر مسائل مطرحه در سطح جنبش انقلابی ایران اختلاف نظر دارند و هر کدام بر اساس سیستم فکری و روش خاص خود حول آن به مبارزه سیاسی و سیاسی بدشلوژیک دست میزنند، امری کاملاً طبیعی است ولی در اعلامیه فوق یک نکته حائز اهمیت و درخور در صفحه



به یاد خاطره

صمد

آموزگار جاودان انقلاب

ایران از دست رفت و جایگامی را که او خود بازگشوده بود و تا به امروز نیز گمی رایاری پای نهادن بر آن نبوده است، خالی گذاشت.

با فقدان ناباورانه صمد انبوهی از درد و رنج نه تنها بر باران او آفتابش که او را پستی می شناختند و با سیر بر تحرک و خلاق آثار او را دنبال کرده بودند، فراگرفت، بلکه بسیاری از کسانی که در زمان او بود و در آن زمان در زمینه تفکر صمد نیایشی میان او و انقلاب می انداخته صمد را وچ محبوبیت اجتماعی خود از دست رفت. اما این مسرگ نابینگام نه تنها از محبوبیت او در میان اقشار مختلف اجتماعی نکاست بلکه نام او در صفحه ۱۴

۹ شهریور ماه معادف بسا شهادت جبران ناپذیر صمد بهرنگی نام آشنای جنبش انقلابی ایران است. قلب بزرگ صمد در چنین روزی و در بیکساز سیاه ترین دوران حیات اجتماعی ایران در آبهای کف آلود و سرکش آرن از تیش باز ایستاد و ادبیات انقلابی ایران و نسل عیسایی جامعه را که می رفت ارزشهای سوسیالیزم را که از پایه گنار ان اطلی آن بیگوده، بیافریند، با خیران عظیمی رو بر رو ساخت. سوگ صمد چون بهشتی بر بیکر نورس نیالی که میرفت شکوفه کند، نبود آمد و صمد در اوج خلاقیت خود و در آستانه بنیان حرکت بومسده و نوین جنبش کمونیستی

جلوهای از عجز و زبونی رژیم

در صفحه ۱۳

گرامی باد یاد شهدای شهریور ماه

به مناسبت

۲۱ شهریور، دومین سالگرد شهادت بهشمرگ فدایی و فقیه سکو



۲۱ شهریور ماه معادف بسا دومین سالگرد شهادت رفیق رشید پیمان پناه (سکو) یکی از بهشمرگان گام و صورت فدایی فرزندان شین خلق کرد، یکی از فعالین بر تحرک سازمان بود. او در طی مبارزه انقلابی نمونه بارز یک مصادقت کمونیستی بود و در فداکاری و جدیتش همواره سر - خلق رفقای خود بود.

- مطفی شمس الدینی ۵۹ شهریور
- بژن ختینی ۶۱
- قاسم معروفسی ۵۸
- ابوبکر آرمان ۵۸
- حواد کارنی ۶۰
- سعیده کریمیان ۶۲
- طهرت اکبری ۵۸
- حیل بیخالی ۵۸
- شهربارواجن ناهید ۵۸
- ناصر تیمسی ۵۸

در صفحه ۱۵

هرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق